

پیش بسوی حکومت کارگران و دهقانان

# چم باید کرد

آزاد باید گردد!

صدای حزب کارگران سوسیالیست  
قیمت ۱۵ ریال  
دوره دوم، شماره ۲۰  
شنبه ۲۱ تیر ۱۳۵۹

## انقلاب و ضد انقلاب در ادارات

توطئه علیه روحانیت؟ ص ۴

درباره عدل اسلامی ص ۶

یورش جدید به حقوق زنان ص ۵

دایره نهبی از منکرات ص ۶

به دفاع از مجاهدین خلق برخیزیم ص ۱۰

بیانیه بین الملل چهارم درباره ایران ص ۷

برنامه عمل زحمتکشان:  
درباره مبارزه با امپریالیزم ص ۹



دستهای سرمایه داران و امپریالیزم  
از شوراهای زحمتکشان کوتاه!  
ص ۲

مبارزات بین المللی:

چین، نیکاراگوئه، چکسلواکی ص ۸

### گرمی حصار، کارگر مبارز ساکا را آزاد کنید!

مجامع عمومی در کف کارخانه و اجتماعاتی در جلوی دادستان کل انقلاب اسلامی، کساح نخست وزیری و ریاست جمهوری و راهبها - های خیابانی نمودند - کارگران در راهبها - های خود شعار می دادند: حرف پس است عمل کنید، گرمی را آزاد کنید، باقیمانده در صفحه ۵

و مبارز تهران است - در انتخابات اخیر مجلس شورای ملی از طرف کارگران تهران کاندید شد و بیش از ۶۰ هزار نفر از کارگران مبارز و افراد مترقی تهران با رای خود از او پشتیبانی نمودند - بهر حال کارگران ساکا نیز از پا ننشستند و برای آزادی رهبران خود دست به تهیه طومارهای دفاعی و برگزاری

اجرا در آورد که طی آن هفت نفر از کارگران مبارز و از آن جمله گرمی حصار، دستگیر و زندانی شدند - گرمی حصار که هم اکنون در زندان جمهوری اسلامی بسر می برد مدتها نیز بخاطر مبارزاتش در سهاجالبهای رژیم شاه زندانی شده بود - او از نمایندگان محبوب کارگران ساکا و از جمله کارگران معروف

بیش از يك ماه است که از دستگیری احمد رضا گرمی حصار، دبیر سندیکای کارگران کارخانجات تولیدی ساکا می گذرد - هیات حاکمه کنونی در پی مبارزات حقوق طلبانه کارگران و سندیکای کارگری ساکا، در اواسط خرداد ماه گذشته، حملات عتسی خود را علیه مبارزات کارگران ساکا به مرحله

# ارتش و پاسداران را از گردستان خارج کنید!

# حمله به شوراهای زحمتگشان حمله به انقلاب است!

ما قبلا هشدار داده بودیم که سرکوب کردنای هیات حاکم در باره انقلاب فرهنگساز داد و فیهاد آنان در باره ضرورت حمله نظامی به عراق هدی جز فراهم کردن زمینه برای در هم کوبیدن دوستگرم مردم ستمدیده و زحمتکش، یعنی دانشگاهها و کردستان را دنبال نمی کند. یورش به دانشگاهها، کشتار دانشجویان مبارز و تعطیل کلیه موسسات عالی آموزشی ماهیت انقلاب فرهنگساز را نشان داده است. کارزار نظامی در کردستان، بمباران شهرها و روستاهای خلق ستمدیده، آوار کردن مردم کرد به کوهستانها و اشغال نظامی و محاصره اقتصادی منطقه، اهداف واقعی هیات حاکم از جنگ با عراق را نیز افشا کرده است.

ما در آن زمان گفتیم که این حملات به سنگرهای آزادی مردم مبارز ایران در واقع در جهت تدارک حمله ای گسترده تر و بسه سنگری اساسی تر است. هیات حاکم در جهت بازسازی نظام سرمایه داری، در جهت تثبیت حاکمیت جناح نرخواسته طبقه ارباب و در جهت استحکام سلطه سیاسی حاکمیت جدید دست به یورش همه جانبه علیه شوراهای زحمتگشان خواهد زد. نمونه های از این حملات در بسیاری از شهرها دیده شده است. تحت عنوان پاکسازی، اساسی کردن، مبارزه با عوامل چپ و راست، تضعیف اخلاکگران و غیره، و بوسیله گروه های ارباب که در بسیاری موارد توسط کمیته های پاسداران و گاهی توسط نهادهای فلیلی تحت نام انجمن اسلامی کارخانه حمایت می شوند، به شهرها حمله شده است و از طریق زور و اجاب، شوراهای منتخب کارگران را (حتی شوراهای اسلامی کارگران) منحل کرده اند و شورایی دست نشانده و تحت فرمان تشکیل داده اند.

اینها گامهای اولیه ای بود در جهت تضعیف شوراهای کارگران و تبدیل آنان به ابزاری که بجای منعکس کردن خواست های کارگران و سالی در اختیار دولت و کارفرمایان برای ارتاب و سرکوب مبارزات آنان باشند. جلوگیری از انتخاب آزاد شوراهای شایعه برکناری و تهمیت زدن به اعضای فعال و صدیق شوراهای متناقض و کمونیست و توطئه گستر خواندن مبارزین شوراهای دستگیر کردن و زندانی کردن رهبران شوراهای کوشش در جهت تطمیع و خریدن اعضای شوراهای پدیدهای پشت پرده نیز از جمله شیوه های

رایج دیگری هستند که دولت سرمایه داری و ابادی آن در کفرخانهها جهت تضعیف شوراهای بکار گرفته می گردند. تلاش دیگر حاکمین جدید و احزاب و نهادهای سیاسی وابسته به آن این بود ماست که از گسترش وحدت شوراهای کارگران در سطح کشور جلوگیری شود. آنها به هزار و یک طریق در بین شوراهای کارگری تفرقه انداخته اند. مثلا امکانات و امتیازاتی که دولت در اختیار کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات (استفردارخانه کارگر) قرار داده است در این جهت بوده تا از وحدت تمام شوراهای اسلامی کارخانجات جلوگیری گردد. حزب جمهوری اسلامی کانون را در برابر کانون شوراهای اسلامی کارخانجات (استفردارخانه کارگر) بره انداخته است تا از زندگی شوراهای اسلامی کارخانجات گسسته شود و از وحدت آنان جلوگیری گردد.

از طرف دیگر از زمان انتخابات مجلس، هیات حاکم فعالیت وسیعی جهت جلوگیری از تشکیل شوراهای جدید را آغاز کرده است. به این میان که مجلس باید تشکیل شود و آیین نامه شوراهای کارخانجات را تصویب کند. از تشکیل هرگونه شورای جدیدی بجز کمیته ها و پاسداران جلوگیری می شود. در مورد هر مسئله ای که هیات حاکم ضروری می داند فوراً قانون وضع می کنند و با سیر سرسری انقلاب به هر اقدامی که دشمن می خواهد سیر قانون می زنند. اما در باره شوراهای کارگران به ناگهان مسأله مجلس مطرح می شود همه باید چشم انتظار محجزرات آن بنشینند!

دوستان عزیز! در صورتیکه وزارت کار و وزارت صنایع و معادن و وزارت بازرگانی اقدامات گسترده ای را جهت تضعیف شوراهای با احتیاط اقدامات آنان و دست بردن در روزه کارگران سازمان آغاز کرده است. اما راه های صمیمی که رهبر کثرت دولت است از دادن سواد خاص به کارخانچیان که تحت کنترل شوراهای اداره می شوند جلوگیری می کنند تا بوسیله شوراهای این اثر سازند و ارباب بسه اقتدار دولت کنند. عوامل سرسرد سرمایه داران و زیم گشته که توسط کارگران مبارز از کارخانجات اخراج می شوند. سرسرد دولت و کارکنان هیات انقلاب و هیات های حل اختلاف وزارت کار با جدا کردن سرکار گارد می شوند و با فرات های سنگین دریافت می کنند. وزارت صنایع و معادن

کارفرمایانی را که از یک کارخانه اخراج شده اند دوباره در شهری دیگر در کارخانه ای دیگر به کارفرمایان و سنگری علیه کارگران منصوب می کند. اکنون اشاره بر تمام توطئه های بالا و حملات همه جانبه به شوراهای کارگری، سرمد اران حکومت حمله آشکار و مستقیم را به شوراهای کارگری آغاز کرده اند. هیات حاکم چنین تصور می کند که نقشه های فلیسی در تضعیف شوراهای و دست بردن کارگران زمینه را برای یورش همه جانبه و آشکار فراهم ساخته است. روزی نیست که یکی از سرمد داران حکومتی در باره اخلاکگر شوراهای ضرورت جلوگیری از دخالت آنان در دست صحبت نکند. آقای بنی صدر بدون رود ریاضت نرود ماند که شوراهای نباید در اداره کارخانه دخالت کنند.

حملات مشابهی به دیگر شوراهای زحمتگشان و شوراهای مردمی صورت می گیرد. شوراهای دهقانی که در بسیاری از روستاهای کشور تشکیل شده اند یکی پس از دیگری منحل می گردند. این شوراهای زمین های اربابان و فئودال های مفتخور را که اغلب پس از قیام فرار را برقرار ترجیح داده اند تصرف کرده بودند و در بیشتر موارد بطسور اشتراکی بجزر گشت در آورده بودند. بدون تلاشهای این دهقانان وضع کشاورزی ما اینک تلاکت آمیز می بود.

اما دولت مدعی حامی مستضعفین نظم و امنیت سرمایه داران و زمین داران بزرگ را خوانده است و شوراهای دهقانی را خوش ندارد. در بسیاری مناطق حقایق سلیم نشان می دهند که به کمد ارتش، کمیته ها و پاسداران اربابان منطقه مسلح شده اند تا به شوراهای دهقانی حمله کنند و از فعالیت های آنان جلوگیری کنند. دولت در بسیاری از مناطق که خواهان سازش با خاندانها و فئودالهای ذینفوذ است به آنها هرگونه اختیاری جهت سرکوب دهقانان فقیر داده است.

در جاهایی که هنوز موفق به حملات فوق نشده اند، از درگیری وارد شده اند. طرح اصلاحات ارضی آقای رضا انصاری که با بوق و کرنا می فراوان توسط دولت تبلیغ شده است، به تصویب شورای انقلاب نرسیده است. صرفا وسیله ای است برای جلوگیری از تشکیل شوراهای واقعی دهقانی. بموجب این طرح شوراهای باید منحل شوند و تا از بالا توسط دولت شوراهایی بسازی

تقسیم اراضی منصوب گردند. بنابراین فعلا بنا به نظر حضرات حاکم، دهقانان فقیر سا باید دست روی دست بگذارند منتظر اجرای طرح خود دولت بنشینند.

شوراهای کارندان هنوز رسا غیر قانونی اعلام نشده اند. اما علاوه بر تشکیل و فعالیت آنان جلوگیری می شود. در بسیاری از ادارات از تشکیل مجامع کارمندان جلوگیری می شود و حتی محل های تشکیل شورا از دست کارکنان گرفته شده است. در برخی از ادارات محل شورا توسط پاسداران اشغال شده است.

در مورد شوراهای دانش جویان و دانش آموزان که دیگر چه کسی است که نداند این هیات حاکم تا چه اندازه وحشیانه رفتار کرده است. به بهانه انقلاب فرهنگساز اغلب موسسات آموزش را به تعطیل کشاند. شوراهای آنان را توطئه گر و ضابطی و کمونیست و غیره خوانده اند و بسته اند.

وضع شوراهای سازمان از همه وخیم تر است. فرماندهان ارتش رسا بخشنامه صادر کرده اند که تشکیل هرگونه شورایی سازمانی مغایر با حکومت جمهوری اسلامی است و متخلفین در دادگاه های نظامی محاکمه خواهند شد. در بسیاری از پادگانها به محض آنکه مشاهده می گردد فعالیتی در میان سازمان جهت تشکیل شورا آغاز شده است سازمان را برکنار می سازند و به نقاط پادگانهای مختلف می فرستند.

برنامه های دولت روشن است. حقایق را نمی توان کتمان کرد. هیات حاکم قصد دارد کلیه شوراهای مستقل کارگران و زحمتگشان را نابود سازد.

اما چه نیروی می تواند صدق ایران را دوباره برآورد. چه شوراهای نازکسری چه کمیته های توطئه های سرمایه داران و ارباب و ارباب جرح های اقتصاد ستمدیده. در شوراهای کارگری اگر مدافع کارگران در کتب، اموز و تبلیغ و ترویج شود، کدام نیروی می توانست از اختلاک سرمایه داران در اختیار مواد اولیه و احتکار اجناس جلوگیری کند تنها نیروی کمیته توار علیه سرمایه کاری سرمایه داران طبقه محاصره اقتصادی امپریالیزم، اقتصاد امپران را

بقیامانده در صفحه ۲۴

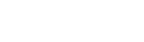
## دعوت به مناظره برای دفاع از آزادی مطبوعات

حزب کارگران سوسیالیست، نشان داده است که این ادعا دروغ بزرگی نیست. افراد کمیته ها مأموریت دارند تا هر کسی را با هر نشریه ای بر خلاف مصلحت سرمد اران حکومتی و آقای فدویسی مشاهده کردند دستگیر و بازداشت کنند. تا بحال صد ها نفر از فرزندگان نشریات مترقی و انقلابی بدین ترتیب دستگیر شده اند و اکنون در زندان بسر می برند. اقدامات مذکور راه را برای حملات اوساش

وحشی و ضرب و شتم و حتی قتل فرستندگان نشریات باز کرده است. تمام کسانی که دوران اشتداد سیه شاهنشاهی و سرکوب هرگونه آزادی های سیاسی توسط صیقل آن را بخاطر دارند، شده اند از اقدامات هیات حاکم جدید در پامال کردن حقیقی و مکرانه ای که در مبارزات سرخستانه طبقه رژیم گشته و بقیمت خون هزاران هزار گشته بدست آمده است متفرند و خواهان متوقف شدن این حملات هستند. ما از آقای بنی صدر رئیس جمهور و

آزادی بیان و اندیشه و آزادی مطبوعات این دست آورد مهم جنبش انقلابی مردم ستمدیده و زحمتکش است. تحت شد بدترین حملات قرار گرفته است. رهبران رژیم جمهوری اسلامی و شورای انقلاب اسلامی ادعا می کنند که مدافع آزادی مطبوعات هستند. اما اتمای قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی با توقیف خود سرانه بیش از ۴۰ نشریه، جمله چه باید کرد یکی از نشریات

رئیس شورای انقلاب و از آقای فدویسی دادستان کل کشور دعوت می کنیم که با سایر سازمان های که نشریاتشان دستخوش این حملات شده است در یک مناظره راد یوتیویزیونی در باره آزادی مطبوعات شرکت کنند. آنها بطور کاملاً یک جانبه از طریق راد یو و تلویزیون هرگونه تهمت و افترا که خواستند به ما و دیگر نیروهای مترقی و انقلابی زدند. چرا صدا و سیما جمهوری اسلامی به مافروست پاسخگوین به این اتهامات را نداده؟



# انقلاب اداری انقلابی و انقلاب اداری ضد انقلابی

مردم محروم و ستمدیده ایران پس از سالها مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی متسور می گردند که بعدتال پیروزی قیام آنها علیه این دستگاه ظلم و استبداد عاقبت تسدرت بخشی بر سرگرمی آید که پشیمان و مدافع منافع آنان خواهد بود. دولت جدیدی که به وضع فلاکت بار اکثریت عظیم مردم ایران خاتمه خواهد داد و جامعه ای آزاد از هر گونه ظلم و ستم و فوارغ از هر گونه فقر و فلاکت را مستقر خواهد کرد. پس از دهها سال محرومیت، ستمدیدگان و زحمتکشان ایران امیدوار شده بودند.

یک سال و نیم از پیروزی قیام بهمن ماه می گذرد و تمام امیدها به پاس بدل شده است. فقر و فلاکت جامعه دو صد چندان گشت است. بیگاری و گرانس لجام گسخته انتشار هر چه وسیعتری را به نقرزندگان می افزاید. کارگرانی که در راه این پیروزی هزاران هزار کشته دادند هنوز اسیر جنگال استوارند. دهقانانی که پس از ترنیها اسارت چشم انتظار رهایی از یوغ زمینداران و اربابان مفلحور بودند، هنوز بی زمینند. زنانی که پاهان ترنیها ستم و بندگی را نزد یک می دیدند، اکنون از کتبه سطح فعالیت های اقتصادی و اجتماعی رانده می شوند. ملیت های ستمدیده ای که احقاق حقوق ملی خود را سکن می دیدند، اکنون با سکن بسیار شهرها و روستاهای خود را تحصیل کنند. سربازانی که با بیوستن به سربازان و خواهران زحمتکش خود قیام بهمن ماه را سکن ساختند، اینک باید نظام حقتان زای ارتش شاهنشاهی بازسازی شده را تحصیل کنند. دانش جوان و دانش آموزانی که برای دهها سال سنگر مبارزه خلق بودند، اینک حتی حق فعالیت سیاسی ندارند.

تمام حقوق دست آمده از قیام یکسوی پس از دگرگی پایمال می شوند. آزادی بیان و اندیشه سرکوب می گردد. تجمعات و تشکلات دستخوش پورش اوباش وحشی قرار می گیرند. احزاب سیاسی غیر قانونی می گردند. مطبوعات آزاد توقیف می شوند. حیف و میل ثروت سلطنت ادامه می یابد. زده بند های پشت پرده، رشوه خواری، بارتی بازی و فساد قدرتمنداران افزایش می یابد. ابتدای ترین نیازهای مردم ما برآورده نمی شوند. مخارج سکن کم شدن شده است. بی خانمانی و مهاجرت روستائیان فقر زده افزایش یافته است. از آب و بری و نان و گوشت خبری نیست. بهداشت مردم محروم ما را خطرات عظیم تهدید می کند. وضع آموزش پرورش به و خات کشیده می شود.

در یک کلام کتبه علامت و کتابت رژیم گذشته کماکان دیده می شود. آری، نظام موجود همان نظام استبدادی گذشته است. همان نظام ظلم و استعمار. همان نظامی که برای اقلیتی دارا همه مسائل رنساء را فراهم آورده بود و اکثریت عظیم جامعه را به ورطه فلاکت سوق داده بود. آنچه از این نظام در قیام بهمن ماه در هم شکسته شد، پس از یک سال و نیم از حکومت قدرتمنداران جدید، بازسازی شده است.

چه کسانی مسؤول این فاجعه هستند؟ چه کسانی باعث شده اند تا خون دهها هزار کشته این چنین پایمال گردد؟ چه

کسانی قیام پرشکوه مردم ستمدیده ما را به چنین بن بستی کشاندند که برخی از همانهایی که در قیام شرکت کردند اینک تصور می کنند اوضاع بهشتین هر چند کتبه غیر قابل تحمل بود اما بهر حال از امروز بهتر بود؟ چه کسانی مسبب پاس و دلگیری مردم ما شده اند، تا بجایی که عوامل رژیم گذشته، امیرالیم، یختیارها و اوساها که در برابر جنبش عظیم مردم ما فرار را بسر قرار ترجیح دادند، امروزه این جسرات را بخود می دهند که علیه انقلاب ما توطئه کنند؟

پاسخ به این سئوالها واضح است. بسیاری از مردم ما هم اکنون این پاسخ را می دانند. مسؤول این فاجعه کسانی هستند که دولت محمد رضا را بازسازی کردند. کسانی که آقای بازگان را از بسا لا به مقام نخست وزیری منصوب کردند. کسانی که ارتش شاهنشاهی را با تعویض چهارم فرمانده و تصفیه چند تن از سران، تحت لوی اسلام تطهیر کردند. کسانی که به مردم مبارز ما اطاعت از دولت جدید سرمایه داری را امر کردند.

رهبرانی کساف خود را به خاطر مبارزات خستگی ناپذیر و از جان گذشتگی های بی شمار مردم ستمدیده ما کسب کرده اند. بجای آنکه بگذارند همان مردم بجای دولت شاهنشاهی قدرت جدیدی را که معرف خواست ها و نیازهای آنان باشد و بدست توانای خودشان اداره گردد مستقر کنند، از نفوذ خود استفاده کرده مردم را از مبارزه جویی و اتکا به قدرت خود بر حذر داشتند. چنین وانمود ساختند که این رهبران بهتر از خود سردم خوب بد آنان را درک می کنند و از آنها خواستند که تمام قدرت را به این رهبران و منصوبین آنان بسپارند. چه کسی تردید دارد که اینها مسؤول این فاجعه هستند؟

مردم ستمدیده و زحمتکش ایران نیز این مسؤولین را شناختند و درس های لازم را فرا گرفتند. هر روز بخش دیگری از آنان بی پایان واقعیت می برد که تنها راننده انقلاب و تنها راه تحقق یافتن خواسته های تاریخی آنان، حفظ بسیج رزنده خود، اتکا به نیروی متشکل خود و اعتماد نکردن به سیاستمداران هیات حاکم و حکومت های از بالا تعیین شده می باشد. مردم ستمدیده و زحمتکش هرگز به خواسته های خود نرسیدند مگر هنگامیکه برای ایمن خواستهها مبارزه کرده اند و در راه ایمن مبارزه خود را بطور مستقل، مستقل از طبقات دارا و سیاستمداران آنان، سازمان دادند.

مردم مبارزی که تجربه تلخ یک سالونیم گذشته را پشت سر دارند، اینک به مبارزه برای ادامه قیام خود برخاسته اند. آنان از دولت جدید نیز سلب اعتماد کرده اند. آنان به تجربه دریافته اند که این دولت است همان دولت بهشتین است. آنها به ماهیت واقعی نهاد های با اصطلاح "انقلابی" جدید نیز طریض تمام تبلیغات و مردم فریبی های هیات حاکم می بردند. نعتیای دولت قبلی به همان شکل سابق بازسازی شده است بلکه در جوار آن نهاد های ایجاد شده اند که در خود سری سنگری، ارباب زحمتکشان، استبداد، مفلحوری، لغت و لیس ثروت

سلطنت، خدمتگاری طبقات دارا و خدمتگاری اداری دارا پان جدید دست دولت رانینز از پشت بستند. مردم مبارز ایران شاه ستمد را سرنگون نکرده اند تا همان دستگاهی که ساخته اوست برجا بماند و در جوارش جوجه ستمدین جدیدی نیز حکمفرمای کنند.

رهبران نیز می بردند که مردم مبارز ایران این سائل را می فهمند و علیه آن به مبارزه برخاسته اند. اشارات به خالی شدن مساجد و به ضرورت احترام گذاشتن به حاکمیت روحانیت معرف این مطلب است. بهین خاطر است که برای جلوگیری از ایمن مبارزه، برای جلوگیری از بسیج مستقل زحمتکشان و برای جلوگیری از تضعیف موقعیت خودشان می خواهند چنین وانمود کنند که همصدای مردم هستند. عذر خواهی ها و اعتراضات به بی عرضه بودن منصوبین از اینجا آب می خورد. اما چه کسی اینها را منصوب کرده است؟ چه کسی شورای انقلاب را منصوب کرده است؟ چه کسی فرماندهان کتبه ها را منصوب کرده است؟ چه کسی فرماندهان ارتش را منصوب کرده است؟ چه کسی وزیر را منصوب کرده است؟ چه کسی فرماندهان ارتش را منصوب کرده است؟ چه کسی وزیر را منصوب کرده است؟ چه کسی فرماندهان ارتش را منصوب کرده است؟

مردم ستمدیده و زحمتکش ما بهتر از هر رهبری می دانند که از دستگاههای دولتی چه می خواهند و این دستگاهها چه معایبی دارند. کارگران ایران بهتر از هر کسی می دانند که وزارت کار، شورای عالی کار و دادگاههای حل اختلافات ایمن وزارتخانه چگونه باید تغییر کند. دهقانان ایران بهتر از هر کسی می دانند که وزارت کشاورزی چگونه می تواند در خدمت روستائیان فقیر در آید. کارکنان ایمن دستگاهها که جنسی از مردم ستمدیده و محروم ما هستند بهتر از مد پسران و وزرای منصوب رهبران می دانند که چگونه باید ادارات منقلب گردند. اگر این رهبران واقعا خواهان پاسخگویی به نیازهای محرومین هستند چرا به شوراهای کارگران، دهقانان و کارمندان اجازه نمی دهند تا خود برای احقاق حقوق خود مبارزه کنند. هر روز حمله جدیدی به تشکلات مستقل زحمتکشان می شود. هر روز مسؤولین امور تهمت و انضامی جدیدی به شوراهای زحمتکشان وارد می کنند هر روز آنها اخلاک و کارشکن نامیده می شوند اما نقطه این شوراها هستند که قادرند بسا بسیج زحمتکشان و در مقابل قدرت فاسد دستگاه دولتی، قدرت میلیونها سردم ستمدیده و محروم ما را بحرکت در آورند.

بنیاد مستضعفین که قرار بود به داد مردم محروم ما برسد خود بدل به

دستگاه عظیم در رشوه خواری، دزدی، حیف و میل و تروتنند کردن مدای معدود شده است. بنیاد شهیدای انقلاب که قرار بود به خواست های خانواده های هزاران هزار کشته انقلاب برسد پس از یک سال ونیم توانسته است قطعه به ۲۰۰ خانواده سکن بدهد. آنهم به ادعای مسؤولین منتصبش که الزاما باور کردن نیست. از سایر نهادها هم بخاری بلند نشده است چیزی بوی مشتمز کننده فساد و خود سری و رشوه خواری. بجای این نهاد های فاسد، قدرت باید بدست مردم زحمتکش بیفتد. بجای ادارات شاهنشاهی با اصطلاح اسلامی شده باید مردم زحمتکش اداره امور را در دست بگیرند. انقلاب اداری که سردم ما خواهان آنند باید این چنین باشد. والا مردم فریبی بی مایه ای بیش نخواهد بود.

اما رهبران چه پیشنهاد می کنند؟ علامت شیر و خورشید را بردارید، کارها درست می شود! بر سر زنان ستمدیده پسران نیزور چماق و چاقوی اوباش جادو تحصیل کنید. ادارات درست می شود! بوسیله کتبه های با اصطلاح پاکسازی که در بساط از آنان ساواکهای سابق و عوامل با اصطلاح پشیمان و سلفمان شده همان رژیم سابق گرداننده هستند. کتبه کارمندان مبارز را تهدید به اخراج کنید. ادارات در خدمت مردم در می آیند! تغییرها را گردن کارنده زحمتکشی که مجبورند فساد مد پسران و وزرای منتصب را تحمل کنند بیندازید. انقلاب اداری می شود! چند شوی تلویزیونی ملال انگیز بر

این عده صرف ضد انقلاب اداری است! اینها همه در خدمت منحرف کردن مردم ستمدیده و زحمتکش در جهت تعمیم و تزکیه واقعی دستگاه دولتی است. اینها در خدمت حفظ و استحکام موقعیت آن کسانی است که انقلاب ایران را به شکست می کشند. اینها وسیله ای است برای جلوگیری از مبارزات کسانی که خواستار انقلاب اداری واقعی هستند. اینها در خدمت دل سرد کردن و ارباب کارمندانی است که هر یک به اندازه امکان خود دست بکار ایجاد دستگاه های واقعا خدمتگزار مردم شده اند.

چنانچه از سر تا پای این دستگاه اداری سرمایه داران راه بجای علامت شیر و خورشید و عنوانهای شاهنشاهی با آیات آسمانی بپوشانیم، نعتیای کوچکترین تغییری در ماهیت آن ایجاد نخواهد شد. بلکه برای مدتی دیگر نیز مردم محروم ما بجای مبارزه برای تغییر واقعی آن فریب تغییرات ظاهری و بی مایهش را خواهند خورد.

اگر واقعا خواستار انقلاب اداری هستید عذر نخواهید. فرمان ندهید و بجای منصوبین قبلی منصوبین جدید نگارید. اختیارات را به مردم بدهید. آنان به عیب می دانند که چگونه انقلاب اداری را به نتیجه برسانند. به شوراهای کارگران، دهقانان و کارمندان حمله نکنید. از تشکیل آنان

# توطئه علیه روحانیت؟

چندی است که روحانیون سرشناس و سیاستمداران ملکی که و بیگانه در سخنرانی‌های خود سخن از توطئه‌های برای تضعیف روحانیت می‌کنند. آیت‌الله خمینی مگر با این موضوع اشاره کرده است و از خالی شدن سنگر مساجد شگوه می‌کند. حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه چندین بار این مطلب را طرح کرده است. این توطئه به محافل گوناگونی نسبت داده می‌شود. گاه پالیزبان و بختیار مسئول این توطئه قلمداد می‌شوند که گویا با پخش تبلیغات ضد آخوندی از طریق رادیو بی‌بی‌سی این احساسات را در مردم علیه روحانیت برمی‌انگیزد. گاه گروه‌های "انقلابی" که صحبت از ارتجاع می‌کنند مسئول معرفی می‌شوند و به مردم گوشزد می‌شود که صحبت‌های ایشان نظیر صحبت‌های رژیم شاه است که همیشه صحبت از "ارتجاع آخوندی" می‌کرد. و زمانی گروه‌های چپ "عدالت‌شناس" توطئه‌گر این تضعیف قلمداد می‌شوند. برخی اوقات نیز می‌گویند که عوامل رژیم سابق و ساواکی‌ها بعضی خود را به لباس روحانیت ملیس کرده‌اند و با خرابکاری‌های خود گل روحانیت را بدنام می‌سازند. این توطئه‌ها هم در خدمت امپریالیسم است و چه بسا که از آنجا پشتیبانی مالی دریافت می‌کند. چرا که رژیم روحانیت امپریالیسم خوب می‌داند که بهترین دشمن نفوذ آن در ایران از قرن نوزدهم تا بحال روحانیت بوده است. پس با تضعیف آن می‌کوشد که راه را برای بازگشت خود هموار سازد.

البته در اینک بدبینی و عدم اعتماد افشار وسیعی از مردم نسبت به روحانیون افزایش یافته است شکی نیست. بسیاری از مردم که یکسال پیش به روحانیون به دیده احترام می‌نگریستند. اکنون آنان را مسئول

رخاست اوضاع همسوس ملکی می‌دانند. انشاد وسیع از روحانیون و حتی ابراز خصومت شد به وطنی رواج پیدا کرده است. ولی آنها مسئول این تغییر برخورد مردم نسبت به روحانیت عوامل خارجی و "توطئه‌های شرق و غرب" است؟ چگونه می‌توان توضیح داد که پالیزبان و بختیار در زمانی که اختیار ارتش و قدرت سیاسی در کف داشتند قادر به برانگیختن توطئه‌های علیه روحانیت نبودند ولی اکنون از آن طرف مرزها و با استفاده از امواج رادیویی احساسات ضد روحانیت برانگیزند؟ روحانیت بهبود راه دور می‌رود و می‌کوشد تا با افسانه توطئه‌ها جدی‌شدن اذهان را از دلیل اصلی این تغییر روحیه مردم منحرف سازد. دلیل اصلی همان حاکمیت روحانیت در طی یکسال و نیم اخیر است. انتشار وسیعی از مردم که سقوط رژیم پهلوی و روی کار آمدن روحانیت را آغاز حل مشکلات جامعه و بهبود اوضاع می‌دیدند. اکنون به تجربه دیدماند که این حاکمیت خود مسئول بدتر شدن روزمره اوضاع است. می‌بینند نه تنها مساله تورم حل نشده. بلکه روز بروز بدتر می‌شود. می‌بینند بیگاری کم نشده و امید ی نیز چهل گوناگون مدت آن می‌رود. می‌بینند این همه مشکلات اجتماعی. نظیر کمبود مسکن. کمبود راه‌آهن. کمبود آب و برق و سایر مایحتاج زندگی می‌تواند با برنامه‌ریزی و صرف‌بودجه نفع زحمتکشان حل شد موبیگاری نیز از طریق پیاده شدن اینگونه طرح‌ها کاهش فوری پیدا کند ولی چیزی که در برنامه حاکمان جدید نیست همین گوناگون برنامه‌هاست. دهقانان ترکمن و سایر نقاط می‌بینند که پس از یکسال و نیم "صبر انقلابی" هنوز از راه حل مسائل آنان خبری نیست. مبارزین کرد و سایر ملیت‌ها می‌بینند که قبلاً بنام ایرانی‌گری آریامهری سرگروب می‌شدند و اکنون بنام دفاع از اسلام و

حاکمیت فقه قتل عام می‌شوند. زنان مبارز می‌بینند که بجای گسترش حقوق و امکانات انسانی شان مورد حملات بی‌پای و تلاش‌های روحانیت در اجرای موازین اسلامی بودند. آزادی مطبوعات و سازمان‌ها بنام مبارزه با لیبرالیسم غریب سرگروب می‌رود. روحانیت حتی فراموش کرده است که آریامهر هم بسا همین استدلال‌ها که دیوگراس غریب یعنی اینکه چهره‌های ۶ ساله هم حق اعتصاب داشته باشند و ما در شرق احتیاج به این ولنگاری‌های غریب نداریم آزادی را سرگروب می‌کرد. اینست شعله‌های گوناگونی از تجربه روزمره افشار مردم که چشم امید به سرنگونی رژیم شاه دوخته بودند و می‌پنداشتند که حاکمین جدید قادر به حل مسائل جامعه و بهبود اوضاع خواهند بود. طبیعی است که واکنش غریزی مردم اینست که همه اینها نظیر روحانیت است که در سیاست دخالت می‌کند و نمی‌گذارد کار آنان امور ملکی را بهتر اداره کنند. گسترش پشتیبانی از بنی‌صدر و حتی سیاستمداران ناتوان و بی‌برنامه‌ای نظیر بزرگان نیز در چنین زمینه‌ای رخ می‌دهد. چرا که این دوره یکسال و نیم همراه با کنار زده شدن مردم از صحنه عمل مستقیم و مستقل خودشان بوده است. روحانیت حاکم برای تثبیت سیاسی خود دائماً سعی در دل‌سرد کردن و سرکوب کردن هرگونه حرکت مستقل مردم کرده است و تنها به بیخ‌های که کاملاً تحت کنترل خود درآورده باشند اجازه ابراز وجود می‌دهد.

نتیجه امر اینست که افشاری از مردم که دیگر توهمی در قابلیت روحانیت در حل مسائل جامعه ندارند هنوز قادر به تشکیل مستقل مبارزات خود در سطح وسیع نیستند. چشم امید به سایر سیاستمداران دوخته‌اند. رشد پشتیبانی از بختیار نیز نشان‌دهنده است که از این شرایط است. آنگاه روحانیت حاکم در نخبه اوضاع اجتماعی "موفق" بوده است که افشاری از مردم دارند فراموش می‌کنند که ملی‌گرایان بختیار و فدایتان با حاکمیت یعنی همان نوب و نائیک ارتش از هساری و پالیزبان دارند فراموش می‌کنند که سینه

جهت حفظ دست‌آورد های جنبش انقلابی در ایران و ایجاد نظامی نو تکسی بر زحمتکشان و مدافعان نواست های آن بوجود آید.

تضعیف و از میان رفتن شوراهای مردمی فقط شکست انقلاب را تضمین خواهد کرد و راه برای استقرار کامل ضد انقلاب هموار می‌کند. کسانی که از یک طرف صحبت از توطئه ضد انقلاب می‌کنند و از طرف دیگر حمله به شوراهای سازمان می‌دهند. همکاران مهم و عاملین اصلی ضد انقلاب هستند. حکومتی که شوراهای را خنثی نکرده حفظ حاکمیت خود می‌داند و مدخله آنان را اخلاقی می‌نامد حکومتی است که از قدرت زحمتکشان هراس دارد. حکومتی است که خواهان حفظ سلطه طبقات دارا است. چنین حکومتی حکومت ضد انقلاب است.

## همه به شوراها...

بازسازی کند و بحران کنونی جامعه را که ناشی از نظام سرمایه‌داری است از میان بردارد. شوراهای سراسری کارگران است که کنترل زحمتکشان را بر تمام شئون اقتصادی مستقر سازند. اما هیات حاکم که اینک قصد احیای فوری نظم سرمایه‌داری را در سر می‌بروراند. می‌خواهد دست کارگران را از اداره صنایع کوتاه کند تا چشم تیز بین زحمتکشان نتواند فساد و دزدی و خرابکاری سرمایه‌داران جدید را بر ملا سازد.

چه کسانی جز دهقانان فقیر دلشان به حال کشاورزی ملکی سوخته است؟ چه نیرویی جز شوراهای دهقانی می‌توانست برای رفع بحران عظیم کشاورزی ایران قدم‌هایی واقعی بردارد؟ اگر شوراهای دهقانی و صرف اراضی زمین داران فراری و منتخوبور نبود چه نیرویی آن رفته ملکی و افزایم می‌کرد؟

جهت حفظ دست‌آورد های جنبش انقلابی در ایران و ایجاد نظامی نو تکسی بر زحمتکشان و مدافعان نواست های آن بوجود آید.

تضعیف و از میان رفتن شوراهای مردمی فقط شکست انقلاب را تضمین خواهد کرد و راه برای استقرار کامل ضد انقلاب هموار می‌کند. کسانی که از یک طرف صحبت از توطئه ضد انقلاب می‌کنند و از طرف دیگر حمله به شوراهای سازمان می‌دهند. همکاران مهم و عاملین اصلی ضد انقلاب هستند. حکومتی که شوراهای را خنثی نکرده حفظ حاکمیت خود می‌داند و مدخله آنان را اخلاقی می‌نامد حکومتی است که از قدرت زحمتکشان هراس دارد. حکومتی است که خواهان حفظ سلطه طبقات دارا است. چنین حکومتی حکومت ضد انقلاب است.



# پیش بسوی اتحاد شوراهای کارگری

تعمیل حجاب: پوششی برای پوشش به حقوق زنان

منیر شایق

کوشید - هیات حاکم می‌کوشد گفتمان نسوی "فساد و فحشاء" زنان آزاد جسمواره را از همکارانشان جدا کند و حجاب را به عنوان راهی برای عیب پوشی از طریق علیه زنانه که حجاب را به عنوان وسیله اخلاقی و اجتماعی حضرات بیعتند برانگیزد. از طریق بحث و مسخ این مسائل و روش‌ها کردن ماهیت این حریم تبلیغاتی باید به در قدم اول زمینه سیاسی مقابله و اعتراض فراهم آید. این مطلب که خود رژیم بورژوازی به حقوق زنان را در قالب "پاکسازی" ادارات گنجانیده. زمینه این روشنگری را فراهم می‌کند. چرا که در آن زمینه نیز رژیم می‌کوشد خشم مردم از بورژوازی دولتی و فساد اداری را به کاتال "پاکسازی" ادارات از عناصر غیر اسلامی، بیخ و بر واقع تصفیه مبارزین انقلاب بکشاند. تشکل زنان کارمند نیز خود یک قدم ضروری اولیه برای شکل گیری این مبارزات است. در برخی ادارات در دوره قلمی این گونه تشکلات بوجود آمده بود. اگر چه برخی پس از مدتی تحت فشار مقامات بالا کماش از فعالیت باز ایستاد. فعالیت مجدد این تشکلات و تشکل انجمن های مشابه در سایر ادارات و وزارتخانه ها می‌تواند شبکه اولیه‌ای برای سازمان دادن مقاومت و مبارزات منظمی را ایجاد کند. با در نظر گرفتن ماهیت رژیم کنونی و سیاستهای آن در مورد زنان این اولین و آخرین بفرش نیست. از هم اکنون باید به گونه‌ای زمینه برای مقاومت و مبارزه شود که بتواند راه را برای سازمان دادن مبارزه دراز مدت برای کسب حقوق زن و علیه پاکسازی حجاب هیات حاکم بگشاید.

دگرگشت بیایی وارد آمده از سوی دیگر تشکل تفاهرات و میتینگ های وسیع را بسیار دشوار ساخته است. هر گونه جلسه و تفاهرات احتیاج به دفاع انتظام محکمی دارد که قدرت تفاهرات کما بیش خود انگیزه زنان تا متشکل نیست. جلسات و تفاهراتی که سازمانی منظم نداشته باشند و نتوانند از خود دفاع کنند با حملات اوباش مواجه خواهند شد. بسیاری از زنان واهمه چنین رویه در آنها شرکت نخواهند کرد و درگیری شرکت کنندگان اوباش به تضعیف روحیه و گسترده شدن حالت دل سردی. پاس و تسلیم کنونی منجر خواهد شد.

در چنین شرایطی مساعدترین صحنه مقاومت و مبارزه همان محل کار است. البته در اینجا نیز نوع مبارزه محدود است. در اکثر موارد امکان اعتصاب های اعتراضی کم کاری و این نوع مبارزات اصلا موجود نیست. این گونه پیشنهاد ها و اقدام ها در شرایط کنونی منجر به منزوی شدن زنان مبارز شده و به شکست مقاومت می انجامد. در تقدم اول ساله اساسی ایجاد آگاهی و جستجو همبستگی سیاسی در میان همه کارمندان است. در مساعدترین شرایط امکان بفروری مجامع عمومی کارمندان در برخی ادارات از طریق خود شوراهایی که واقعا منتخب و مورد اعتماد کارمندان هستند وجود دارد. از طریق این چنین مجامع و بحث وسیع ساله در وهله اول باید درگسترش همبستگی مبارزات زنان و مقابله با تبلیغات هیات حاکم

شدن ادامه تعمیم زنان شهردار در مدارس عادی امکانات تعمیمی زنان محدود تر شده. در اثر ایجاد و ترقیب جو سیاسی عمومی علیه زنان بسیاری از ادارات و موسسات از استخدام زنان خودداری می‌کنند. یا رسمی کردن "مادری" بعنوان برجسته ترین نقش زن در اجتماع در متن قانون اساسی جهت کلی حرکت رژیم به سوی خانه نشین کردن زنان (جسز در موارد و مشاطی که خود روحانیت صلاح بدانند) روشن است. اینها را زنان مبارز و آزاد بخوانه غیرزنا حس می‌کنند و واکنش خشکی آنان نیز علیه بخشنامه های صادره از همین روست.

ساله ولی اینست که چگونه می‌توان با این حملات مقابله کرد. خاطره مبارزات خیابانی، تفاهرات و جلسات اعتراضی ۲۰-۱۷ اسفند ۱۳۵۷ هنوز در آذهان زنده است. بسیاری از زنان در واکنش به دور جدید بورژوازی طبیعتا به فکر تکرار همان شیوه مقابله افتند. ولی واقعیت هر چند تلخ اینست که امروزه امکان تکرار همان تظاهرات و اعتراضات وجود ندارد. در آن زمان که هنوز بیش از چند هفته از فروری نظامی استبداد پهلوی نگذشته بود و حاکمان جدید هنوز تازه به کار ساختن و برداختن ابزار سیاسی و نظامی جدید حاکمیت مشغول بودند. ده ها هزار زن مبارز با تشکسل و تمرکز بسیار اندکی به صحنه اعتراض و مقاومت گشاندند. در آن زمان مبارزات متفاوت است. تحکیم نسبی سیاسی هیات حاکم از یک سو، لطمانی که به حقوق

بد نبال سخنرانی خمینی بمناسبت پانزده شعبان و صدور فرمان به اصطلاح "انقلاب اداری" که در واقع پوششی است برای مخفی کردن ناتوانی حاکمین جدید در حل کوچکترین مسائل اجتماعی از یک سو و تلاش همه جانبه برای تصفیه و حذف کلیه مخالفین بویژه نیروهای مبارز و جبهه‌ای سوسی دیمکر - حمله به زنان و تعمیم حجاب آغاز شد. کلیه ادارات دولتی یکی پس از دیگری چیزی از پاکسازی اداری را تعمیم حجاب تفرار دادند و تفرار است از روز شنبه ۱۴ تیر ماه همه کارمندان زن "پوشش اسلامی" بر سر کار حاضر شوند. این نخستین بار نیست که روحانیت و طرفداران اسلامی شدن همه چیز دست به چنین حملاتی زده اند. از نخستین روزهایی که حاکمین جدید بر سر قدرت تکیه زدند - چهره واقعی اسلام و اسلام واقعی را برای زنان روشن ساختند. نخستین تلاش برای تعمیم حجاب با تفاهرات وسیع زنان آزاد بخوانه با شکست مواجه شد. ولی از آن زمان تا به امروز در سطوح مختلف حمله به حقوق زنان ادامه یافته است. مقاومت و مبارزه با این حملات ضروری است که امروزه هر زن مبارزی حس می‌کند. حس می‌کند که ساله تنها حجاب نیست - اگر چه اگر حتی تنها همین هم بسود مقاومت علیه آن لازم بود - ساله اینست که پیش از یکسال است رژیم جدید در محدود تر کردن حقوق زنان کوشیده. زنان از مشاطسل لغایت و امور مربوط به آن حذف شده اند. موازین اسلامی طلاق و ازدواج تثبیت شده است. با حذف آموزش مختلط و غیر قانونی

طرفداران اسلامی شدن همه چیز دست به چنین حملاتی زده اند. از نخستین روزهایی که حاکمین جدید بر سر قدرت تکیه زدند - چهره واقعی اسلام و اسلام واقعی را برای زنان روشن ساختند. نخستین تلاش برای تعمیم حجاب با تفاهرات وسیع زنان آزاد بخوانه با شکست مواجه شد. ولی از آن زمان تا به امروز در سطوح مختلف حمله به حقوق زنان ادامه یافته است. مقاومت و مبارزه با این حملات ضروری است که امروزه هر زن مبارزی حس می‌کند. حس می‌کند که ساله تنها حجاب نیست - اگر چه اگر حتی تنها همین هم بسود مقاومت علیه آن لازم بود - ساله اینست که پیش از یکسال است رژیم جدید در محدود تر کردن حقوق زنان کوشیده. زنان از مشاطسل لغایت و امور مربوط به آن حذف شده اند. موازین اسلامی طلاق و ازدواج تثبیت شده است. با حذف آموزش مختلط و غیر قانونی

کارگران سراسر ایران راه دشوار کارگر نشان دهم. کارگران مبارز که کارخانه ها با ادارات و بیخ و بر ری و باغ از قلمی حجاب. با ساکا را بین همکاران. حجاب بگرداند و از شرم و بخواهند تا در این مورد. و وقت آن است که کانونهای سازمانی سرزدهای رزمی هر چه زود تر مبارزات به تشکیل کمیته‌های عمل برای دفاع از آزادی یکس حجاب و خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای پاسدار از صحن کارخانه ساکا و بازگشایی فوری آن بنهاند تا موجبات تسخیر اقتدار هر چه وسیعتری از طبقه کارگر حصول این مسئله فراهم گردد. لزوم دفاع از مبارزات بحق کارگران ساکا با پیشی بگوش کلیه کارگران ایران برشد تا کارگران ایران از طریق سازماندهی مبارزات مستقل خود قسلس و زنجیری را که هیات حاکم سرمایه داران به پای نماینده مبارز ساکا زده است مفتوح گردانند.

سند بکای کارگران در امر تولید صحنه نظر نمایند و حق اخراج کارگران توسط مدیریت را می‌چون چرا بپذیرند. بر مسلم است که دستگیری کنی حجابی، اشغال نظامی کارخانجات ساکا و تعطیل تولید در آن، اجزاء حملات گسترده‌تری هستند که هیات حاکم سرمایه داران علیه موجود دیت، شکل‌گیری و رشد شوراهای کارگران در سراسر کشور تدارک دیده اند و باین ترتیب تمام هیات مبارزات حق طلبانه آنان را بزیر سوال کشیده است. بهین خاطر آزادی کنی حجابی و بازگشایی بدون قید و شرط کارخانجات ساکا برای مبارزات شورایی کارگران بمنزله یک پیروزی محسوب می‌شود. اما برای کسب چنین دست آوردی پشتیبانی همه جانبه کارگران و شورا و کانونهای کارگری لازم است. کارگران ساکا در قطعنامه ۳۱ خرداد خود این ضرورت را چنین خاطر نشان کرده اند: "ما از شوراها، سند بکاه، اتحاد بهما و دیگر مجتمعات کارگری می‌خواهیم. از خواسته‌های بحق ما حمایت کنند تا بار دیگر همبستگی هم خودشان را از واقعیت این جنایات دور نگاه دارند."

صحن کارخانه‌ها و بازگشایی کارخانه شده اند. در همین رابطه تریب ۴۰۰ نفر از کارگران مبارز ساکا طی تظاهرات روز ۲۵ خرداد خود که از میدان آزادی شروع شد و به اجتماع جلوی کاخ نخست وزیر منتهی گشت. شعار می‌دادند: "اشغالگران بدانند، کارگران بیدارند، تعطیل کارخانه، توطئه‌های ساکا، وطنی قطعنامه‌ای که روز ۳۱ خرداد بتصویب اجتماع کارگران ساکا رسید. این اقدام است انقلابی و ضد کارگری مقامات دولتی سرمایه داری را چنین ازین پا کرده اند: تعطیل کارخانه در این شرایط قطع بفع آمیگما و سرمایه داران وابسته تمام می‌شود. و ما این عمل را حرکتی آگاهانه در جهت فرسودن به اتحاد و مقاومت کارگران بخاطر خواسته‌های حق طلبانه‌شان تلقی کرده و آنرا از جانب هر مقامی که باشد تقیاً محکوم می‌کنیم."

مسئولیت توطئه حمله به شوراها به نیت انبسان در زندان کارون برشانه پاسداران مستقر در زندان است یا زندانیان؟ چرا اقدام این سه نفر را با پنج نفر دیگر به اتهامات متفاوت (فحشاء، فساد و...) در یک روز اجرا کردند. هیات حاکم سرمایه دار در طی یک سال و چند ماه گذشته همیشه با عومق و صحنه سازی منحرف کردن افکار عمومی، انقلابیون را با مجرمین عادی و عوامل رژیم گزشته یکی کرده است تا شاید افراد ساده لوحی (شاید

داستان دادگاه انقلاب اسلامی اهواز در پاسخ به اعتراضات ادعا می‌کند که خدشات پزشکی دکتر نیمینا در محله حصار آبساز اهواز با نیت پلیدی انجام گرفته است! البته پس از نطق آیت الله خمینی در مورد اینکه اسلام به همه کارشمار دارد، دادستان انقلاب اهواز هم قادر به کشف نیت پلیسند افراد می‌شود و آنها را بخاطر نداشتن به اقدام محکوم می‌کند! آری برای حاکمین جدید سرمایه داری کف به مردم محروم و ستم پسند فقط می‌تواند بخاطر نیت پلیدی باشد!

هم خودشان) را از واقعیت این جنایات دور نگاه دارند. چرا اقدام این سه نفر را با پنج نفر دیگر به اتهامات متفاوت (فحشاء، فساد و...) در یک روز اجرا کردند. هیات حاکم سرمایه دار در طی یک سال و چند ماه گذشته همیشه با عومق و صحنه سازی منحرف کردن افکار عمومی، انقلابیون را با مجرمین عادی و عوامل رژیم گزشته یکی کرده است تا شاید افراد ساده لوحی (شاید

مسئولیت توطئه حمله به شوراها به نیت انبسان در زندان کارون برشانه پاسداران مستقر در زندان است یا زندانیان؟ چرا اقدام این سه نفر را با پنج نفر دیگر به اتهامات متفاوت (فحشاء، فساد و...) در یک روز اجرا کردند. هیات حاکم سرمایه دار در طی یک سال و چند ماه گذشته همیشه با عومق و صحنه سازی منحرف کردن افکار عمومی، انقلابیون را با مجرمین عادی و عوامل رژیم گزشته یکی کرده است تا شاید افراد ساده لوحی (شاید

کشدن چند سال شکنجه و حبس در زندان دوغمان پهلوی و کف بید ریخ به سبزه گان! این سؤال برای همه مطرح می‌شود که چه کسانی توطئه و تخریب می‌کنند؟ آیا توطئه فرمان تیراندازی به دانشجویان را جنتی ها و غرضی ها صادر کردند یا دانشجویان؟ آیا توطئه به رگبار بستن محوسین در سالن شهرداری اهواز را پاسداران انجام دادند یا محوسین؟ آیا

درباره "عدل اسلامی" و مجازاتهای وحشیانه

علی باهنر

توسط این دادگاهها به اعدام محکوم شده اند. دادگاههای انقلاب اسلامی از رده پلانه ترین شیوهها جهت اعدام انقلابیون استفاده میکنند. آنها شهبین سیاسی را مستول بر کفایت نظام بوسیده، سرمایه داری در حل مسائل و مشکلات بودهای مسردم معرفی میکنند. سرمایه داران در تولهسد خرابکاری میکنند. کارگران مبارز بهمنسوان خرابکار و ضد انقلاب معرفی میشوند و آنها بی اعتبار کردن مبارزین سیاسی در جامعه اتهامات سیاسی را با وقیحانه ترسین تهمت های اخلاقی همراه میکنند. بسیاری از مبارزین سیاسی را به اتهام عضویت در فلان سازمان قانونی، بخش اعلامیه مغرور و داشتن روابط ناشروع با اشخاص موهوم به نام "ضد فی الارض" به اعدام محکوم کرده اند. در بسیاری از موارد شهبین سیاسی را که هیچ جرم جز تبلیغ عقاید خود با دفاع از دست آورد های قیام بهین ماه ند اشتعاند به اتهام قیام علیه جمهوری اسلامی به اعدام محکوم کرده اند. در دادگاههای "عدل اسلامی" اعتقاد نداشتن به حاکمیت بدون چون و چرای روحانیت قیام بر علیه جمهوری اسلامی محسوب می شود!

دست میزنند. حاکمین شرع هر چیزی را که منافع طبقات دارا و حکومت جدید آنان را به خطر اندازد بنام "فساد در ارض" و "محاربه با خدا و رسول خدا" (بخوان محاربه با خدای سرمایه و روحانیت رسول سرمایه) محکوم میکنند. هیتت حاکم سرمایه دار که خود را از حل مسائل واقعی جامعه عاجز می بیند بد نیال کشف "عدهای سوطانی" بد نیال قربانیانی میگرد تا مسئولیت بی کفایتی نظام بوسیده، سرمایه داری در حل مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را برگردن آنها بگذارند. بنابراین یکروز قاجار تاجپان بواد بخسدر، روز دیگر فحشا و گرافتوشان بیسی از آن عوامل منافق و ملحد بعنوان علت اصلی کمبود ها و مشکلات معرفی می شوند. پس از قیام بهین ماه، جهت تثبیت دولت جدید سرمایه داری، تودهای مبارزین باید از صحنه مبارزه اجتماعی و سیاسی خارج می شوند. باید این امر به مردم قیلا ندهد، می شد که آنها برای استفسار حکومت روحانیت مبارزه کرده ماند و نه برای خواست های خودشان. دادگاههای انقلاب اسلامی نیز در جهت تحمیل این برنانه و این حاکمیت به کار گرفته می شوند. حله به دست آورد های قیام بهین ماه نظیر آزادی احزاب، بیان، اندیشه مطبوعات و... از یکطرف توسط جماعت داران و آرایش سازمان می باید از طرف دیگر توسط دولت و دادگاههای انقلاب اسلامی، بسیاری از مبارزین سیاسی و انقلابی

حاکمیت روحانیت اگر چه در پوشش اجرای قوانین الهی بر روی زمین قرار دارد ولی در واقع یکی از انواع حکومت طبقات دارا است. دادگاههای انقلاب اسلامی نیز یکی از ابزار حکومت سرمایه داران هستند. دادگاههای انقلاب اسلامی وظیفه دفاع از نظم بوسیده، سرمایه داری را بر عهده دارند. نظمی که بر اثر قیام تودهای کارگر و زحمتکش شرعیه خورده است. دادگاههای انقلاب اسلامی مانند دادگاههای نظامی رژیم شاه ابتدایی ترین حقوق شهبین را پایمال میکنند. در دادگاههای انقلاب اسلامی حق دفاع از خود و حق استفاده از وکیل مدافع از شهبین سلب شده است. در این دادگاهها هیتت منصفای وجود ندارد. در پشت درهای بسته دادگاههای انقلاب اسلامی حتی خانواده شهبین نیز راه ندارند. حسی اعتراض به احکام صادره وجود ندارد و حکم حکومت در عرض چند ساعت صادر می شود و بلافاصله به مرحله اجرا در می آید. سلب ابتدایی ترین حقوق قضایی از جامعه دست حکام شرع را در اجرای هر جنایتی باز گذاشته است. اجرای قوانین شرع دست آورد های جنبش مشروطه را به عقب رانده است. یکی از مرکزی ترین خواست های مبارزین مشروطه تأسیس عدالتخانه و تدوین قوانین قضایی بود. حاکمین که حق تفسیر قوانین "الهی" را بخود اختصاص داده اند هر روز به تهاجم نامزای به حقوق مردم محروم و ستمدیده جامعه

روزی نمی گذرد که عدای بیست اتهامات مختلف محکوم به اعدام نشوند. روزی نمی گذرد که عدای به تخته و شلاق بسته نشوند. و آخرین نمونه، یکی از فجع ترین جنایتاتی که در طی حکومت جمهوری اسلامی صورت گرفته، سنگسار کردن ۲ نفر بد ستیز دادگاه انقلاب اسلامی کرمان است. (بامداد ۵۹/۲/۱۲) اجرای مراسم سنگسار کردن مسکن است ساعت ها به طول انجامد. دادگاه انقلاب اسلامی کرمان این مجازات وحشیانه و غیر انسانی را شرعی و اسلامی می داند. قیام بهین ماه دستگاه سرکوب و شکنجه ساواک را متلاشی کرده اما اکنون شاهد تکرار شکنجه و وحشیگری های ساواک بنام اجرای احکام شرع هستیم. حاکمین کنونی با شکنجه محکومین نشان داده اند که حتی برای قانون اساسی خودشان هم که شکنجه را غیر قانونی اعلام کرده است، اهمیتی قابل نیستند. آنها با افعال ضد انسانی و وحشیانه خود انقلاب تودهای محروم و ستمدیده ایران را به مسخره گرفته اند. در اینکه سنگسار کردن یکی از مجازات های قرون وسطایی شرع اسلام است شکی نیست. مجازاتی که در میزان وحشیگری با سوزاندن "جادوگران" توسط کلیسای کاتولیک یا لنج ساهان آمریکا توسط نژاد پرستان گولکس کلان قابل مقایسه است. تحمیل حاکمیت روحانیت بر زحمتکشان و ستمدیدگان ایران دست حکام شرع را در اجرای فجع ترین جنایات باز گذاشته است.

دایره نهنگی ال منکره

بعد به پیشاهای "بنیاد مستشرقین" اجازه کار برین دهند و... اسلام... گسترش... مجیز که به کارگران و زندانان... اجازه به دهد... بحر خیز خوش گذارند... روزی را از تن بد رکند... طرح زنانه... از دریا را تعطیل کرده اند... مشورت با روحانیت... یک کیلومتر دیواری به طول ۲۰ متر در دریا بکشند که زن و مرد جدا از هم شنا کنند... مردان بعد از ظهرها از دریا استفاده کنند... است و آقاها ن دلشان نمی آید که بعد از ظهرها را به شای زنان بسپارند... و تازده همه این ها را نیز بنام "دفاع از مستضعفین" می کنند... باقیاندره در صفحه ۷

روزی نمی گذرد که دایره نهی از منکرات و مستولین خود سر اخلاقیات اسلامی راه نامزای برای آزار مردم و تلخ تر کردن زندگی روزمره بر آنان اختراع نکنند. پس از آنکه رمضان سال گذشته موسیقی، بجز "سود و مارش"، غیر اسلامی اعلام شد بازار نوار فروش ها رونق گرفت و اکثر مسردم نیز که از سورد های عتک و ملال آور راد سو و تلویزیون بسته آمدند و هیچ راهی نیز برای گسترش موسیقی خلاق جدیدی موجود نیست و به همان تظیف ها و آوازهای قدیمی آورده اند. ولی دایره نهی ساز منکرات، به تیبوت از جانب تمام مسردم، تصمص گرفته است که این تصانیف و موسیقی ها "مبتذل" هستند و کس حق شنیدن آنها را ندارد. اوپاشان جماع بدست نیز گسه "آاده" از تو به یک اشاره از ما به مسردم دیدن "هستند مرتب به کیوسک ها حمله می کنند و حالا هم رسماً تا اول رمضان به نوار فروش ها سبقت داده شده که خود را تعصبه کنند. کار بهین جا خانه بهی انمی کند برخی از "فهرتشدان" محلی اگر صدای این گونه موسیقی "مبتذل" را از خانه هسا بشنوند به منازل مردم نیز هجوم می برند. یک روز تمام سبهاها را تعطیل می کنند. یعنی تشبیه فریح ایزان و هگانی را که بخصوص اکثر کارگران و کارمندان که هیچ نوع تفریح و تفنن دیگری ندارند خسرد و خانواده شان اغلب یک روز در هفته را به امید دیدن نلیس هستند. از بین می برند

بار دیگر ارتجاع در اهواز

دستش را به خون انقلابیون آغشته کرد

دست های هیتت حاکم سرمایه دار حکیم گروگان های را دارند که هر لحظه امکان اعدامشان وجود دارد. در بهانه های گانون دستبازان تهران منتشر نموده است اعلام می شود که دستگیری دکتر نیسیا به مناسبت مبارزه او جهت اخراج یکی از عوامل ساواک در کهنه، امام موسگرده می باشد. بنا به اظهار کانون دستبازان تهران برادر ساواکسی مزبور که از روحانیون اهواز است، با اتصال نفوذ باعث دستگیری دکتر نیسیا شده است. در ضمن کانون دستبازان تهران مد ارگی در اختیار دارد که ثابت می کند دکتر نیسیا هیچ گونه دخالتی در دستگیری های تالار شهرداری نداشته است. اکنون برای اکتب مردم روشن شده است که این افراد برخلاف بر حسب هسا و تبلیغات در زمین هیتت حاکم توطئه گزینند. دست نشاندگی و حال "سیا" و امین الیزم آمریکا نیستند. بعضی از آنها چندین سال با تحت پیگرد ساواک قرار داشته اند و در شکنجه ها و سبهاهایی ریسم محبوس بوده اند. دکتر نیسیا را اعدام می کنند. بجز دفاع از زحمتکشان و دایسر کردن مطلب بد و بی ویت و مد ارای سبازگان سیدی علوی شورشری را اعدام می کنند بجزرم باقیاندره در صفحه ۵

هنوز خون دوش از مبارزین دانشگاه جندی شاپور به نامهای دانیالی و مودن که توسط جنتی حاکم شرع وقت و عضو شورای نگهبان ریخته شد خشک نشده است. که دادگاه انقلاب اسلامی اهواز سه تن دیگر از انقلابیون به نامهای جعفری، دکنسر اسامیل نیسیا و مهدی طوی شورشری را توسط طاهری حاکم شرع جدیدی که میرات جنتی ها و غلطانی ها را بر دوش می کشد، در روز جمعه ۵۹/۲/۱۶ به جرحه اعدام میبرد. اتهاماتی که به آنها نسبت داده اند، توطئه و تحریک در دستگیری های دانشگاه است (کیهان ۵۹/۲/۸). در حالی که دکتر نیسیا در بیمارستان گلستان اهواز دستگیر شده است. اعدام دکتر نیسیا در حالی صورت گرفت که کانون دستبازان تهران مد ارگی مبنی بر توطئه عوامل ساواک بر علیه او در دست داشتند. در حالی که قرار بود مد ارک کانون دستبازان تهران در روز یکشنبه ۵۹/۲/۸ به دادستان انقلاب اهواز ارائه شود حکم اعدام دکتر نیسیا در روز جمعه ۵۹/۲/۱۶ اجراء می شود. اعدام دکتر نیسیا، جمهوری شورشری پس از حملات عصبی به زبسان و مجاهدین خلق صورت می گیرد. این اسر نشان می دهد که زندانیان سیاسی در

# دستیها از انقلاب ایران کوتاه!

## بیانیه بین الملل چهارم درباره مداخله نظامی امپریالیزم آمریکا در ایران



میگوید . لیکن حکومت بورژوازی ایران هنوز از شناسایی حقوق ملی مردم کردستان سر باز میزند . کماکان به حملات نظامی وحشیانه و کشتار کردها ادامه میدهد . رژیم خمینی به دیگر ملیت های تحت ستم هشدار میدهد که چنانچه بخواهند برای حقوق خود مبارزه کنند . با آنان نیز همینطور رفتار خواهد شد . رئیس جمهور نیروی سرافراز خلیج سلاح کردها را صادر کرد . این دستور علییرهم این واقعیت است که رهبران کسود اشغال سفارت را ستوده و در بسیج های ضد امپریالیستی شرکت داشتند . اما کردها معتقد به این نیستند که مبارزه علییه امپریالیزم به معنای این است که مبارزه بحق برای حقوق شان را تابع آن قرار داده و با از آن صرف نظر کنند . سیاست حکومت تنها می تواند مانعی در برابر بسیج تودمائی متحد علییه امپریالیزم باشد .

در جبهه دیگر . دستور دولت در مورد خروج تمام سازمان های سیاسی از دانشگاه تنها تاثیری که داشته است همانا تضعیف نیروهای ضد امپریالیستی و تشویق سازمانهای دست راستی در حملات بدنی به سازمانهای رادیکال نظیر مجاهدین و فدائیان بسوده است .

بین الملل چهارم بار دیگر حمایت خود را از حق مردم کرد و دیگر ملیت های تحت ستم در تعیین سرنوشت خود . و دفاع از حقوق کامل دموکراتیک کارگران . دهقانان و دانشجویان با صراحت اعلام می دارد .

شکست مأموریت نجات . امپریالیزم آمریکا را در هدفش برای معکوس کردن انقلاب بیشتر تضعیف کرده است . امپریالیستش جلب حمایت مردم آمریکا و متحدین امپریالیستش جهت اهدا فاش را دشوارتر ساخته است . اما . از صرف نظر کردن از این هدف هنوز بسیار دور است . همچنان به کوشش خود برای یافتن فرصت جهت ضربه زدن به انقلاب ادامه میدهد .

تبعیض اقتصادی نه تیرتور برود . شده تودمهای زحمتکش را پس بدیند!

تودمها از ایران نوند! تاوگنسان در زبانی امپریالیزم از زبانی عریس با پیسده خارج شود!

لیکن . با تناسی این اقدامات کارتر نتوانست آنچه را که بدان امید بسته بود . بدست آورد . مردم آمریکا واکنش حادی در جهت نیات پشت پرده دولت از خود نشان ندادند . آنان پس از تعجب و خشم اولیه از اشغال سفارت . اینک هر چه بیشتر با جنایات شاه . نقش ارتجاعی واشنگتن در ایران . و برخورد مزورانه و دو دوزه سازی کردن کارتر با مردم آمریکا آشنا می شوند .

حمایت بسیار ناچیزیندین اروپهای غربی و ژاپن از آمریکا در رابطه تنگ تر کردن دامنه تحریم اقتصادی . در مورد عملیات نظامی که برانگیزد . به مشکلات واشنگتن افزوده است .

عملیات نظامی آمریکا علیه ایران باصفت تعمیق و نه کاهش احساسات ضد امپریالیستی میلیون ها نفر مردم تحت ستم در سراسر خاور میانه شده و شیخ انفجارات همی را در آسمان دیگر کشورهای منطقه به پیروزی آورده است .

هر حمله جدید واشنگتن در خدمت تقویت احساسات ضد امپریالیستی تودمهای ایرانی قرار گرفته . و با بسیج تودمهای کارگران دهقانان و دیگر اقشار تحت ستم علییه امپریالیزم مواجه شده است . زمانی که خبیر تهاجم نظامی نافرمان واشنگتن پخش شد . گروه های ها و تظاهرات خود انگیختهای برای جشن گرفتن این آخرین شکست امپریالیزم برگزار گردید . اما این تهاجم خود بسک هشدار ملموسی بود مبنی بر اینکه ایسالات متحده علیه انقلاب ایران از ابزار نظامی نیز استفاده خواهد کرد . این خود تاکیدی است بر اهمیت خواست تودمها برای تسلیح هنگانی کارگران و دهقانان . همچنین در رابطه با خواست استرداد شاه و محاکمه اش بخاطر جنایاتی که مرتکب شده است .

در حال حاضر . با وجود اینکه بسیج های ضد امپریالیستی عظیمی انجام نظام طبقاتی بکار گرفته شود . مبارزه برای لغو مجازات های غیر انسانی و لغو مجازات اعدام یکی از مهمترین وظایف جنبش کارگری است . سرساز زدن از مبارزه جهت حقوق دموکراتیک به این بهانه که این حقوق بورژوازی هستند . پشت کردن به مبارزه طبقاتی است . حقوق ابتدایی مانند حق دفاع از خود و حق برخورداری از یک محاکمه منصفانه که هم اکنون توسط حاکمین شرع با پمال می شود از دست آورد های تودمهای زحمتکش در انقلاب مشروطه است . سیاستمداران سرمایه اری مانند آقای بازرگان گسه از مؤسین کمیته دفاع از حقوق بشر هستند تاکنون حتی یک کلمه هم علیه مجازات های غیر انسانی و شکنجه محکومین سخن ننگته اند . وظیفه اعتراض به با پمال شدن حقوق مشیمین بر دوش کانون وکلا و سایر سازمان های مترقی نیز قرار دارد . مبارزه جدید علیه مجازات های بیرحمانه و با پمال نبودن حقوق اجتماعی باید توسط جنبش کارگری صورت بگیرد . بحث بر سر این سواره باید در دستور کار شوراهای کارگران و کارمندان قرار بگیرد .

حکوشای بوده تا بتواند بویای انقلاب را متوقف ساخته و شرایط را بر زمینهای به نفع امپریالیزم تثبیت کند . به منظور خنثی کردن مبارزات ضد امپریالیستی مردم و به منظور خنثی کردن احساسات گسترده آمریکایی ها علیه جنگ دیگری از نوع پنتام . واشنگتن دست به تبلیغات نژاد پرستانه علیه مسلمانان متعصب زده است . و از سوی دیگر شاه را بعنوان یک فرد مترقی ای که میخواست کشورش را مدرنیزه کند . معرفی می کند .

در نوامبر گذشته کارتر علیرغم هشدارهای مقامات رسمی ایالات متحده شاه را به آمریکا دعوت کرد . این مقامات هشدار می دادند که تنفر و انزجار مردم ایران از این مستبد چنان شدید است که دعوت از شاه ممکن است انگیزهای برای اشغال سفارت گردد . از آن پس . اقدامات کارتر بر پایه حسابگری برای آزادی گروگان ها و یا برای یک مذاکره عادلانه نبوده است . او سعی بر ایرانیان احساسات ضد ایران را در آمریکا تشدید کند .

کارتر با مذاکره با مقامات رسمی ایران مخالفت کرده است . روابط دیپلماتیک را قطع کرد و کارمندان سفارت ایران را از آمریکا طس یک مهلت کوتاه . اخراج نمود . دایره محاصره اقتصادی را تنگ تر نمود و فشار بر متحدین امپریالیستش را افزایش داده تا در تحریم اقتصادی او را همراهی کنند .

با یک رشته تهدیدات نظامی . از جمله انتقال یک ناوگان دریا به شابل ۲۷ کشتی جنگی به دریای عربی . تنش را همچنان در سطح بالا نگهداشته است . در ۱۷ آوریل مسافرت آمریکایی ها به ایران را ممنوع اعلام کرد . و در تلاش اینست که بخش اخبار ایران را متوقف سازد .

وسیع مردم پنهان کند اجرای مجازات های شرعی عملی وحشیانه است . مجازات های غیر انسانی با شلاق زدن و سنگ سار کردن با پیمان نمی پذیرد و پس از آن نوبت بریدن دست و وحشی گریهای دیگر نیز خواهد رسید . نقش اصلی مجازات در اوراق و تیور جامعه خلاصه می شود . برای ازیاب جامعه هر چه که این مجازات ها وحشیانه تر و غیر انسانی تر باشند موثر تر هستند . بسیاری از مدافعین اجرای مجازات های شرعی بر این حقیقت اشتراف دارند . مجازات جهت عبرت دیگران مفهومی جز حکومت ترس و وحشت ندارند .

اقدامهای بی دردی در زمانی گسه هرگونه مبارزه جدیدی جهت حل مشکلات اجتماعی سرکوب می شود . این تصور رادر بسیاری بوجود آورده است که اعدام تنها راه حل واقعی مشکلات است . این تصور غلطی است که هائیت گریبان مسولان واقعس ساهل اجتماعی . طبقات دارا را خواهد گرفت . انقلابیون سوسیالیست نباید اجازه دهند که نفرت تودمهای محروم و ستم پسده بسوی این پان فرد طبقه حاکم منحرف شود . این انزجار باید آگاهانه در جهت سرنگونی

کارتر . با بی اعتنائی کامل به جان گروگانها و حقوق مردم ایران . کمانده های ایالات متحده را به ایران فرستاد . امپریالیست ماجراجویی کارتر باعث از دست رفتن جان هشت آمریکایی شد و می توانست به بسک فاجعه منجر گردد . برخورد وسیع نظامی دولت کارتر . در انطباق با سیاست همیشگی دروغ پردازی و مخفی کاری خود . تا بسک روز قبل از این بپوش ادعای کرد که کوچکترین تصمیمی جهت توسل به حمله نظامی اتخاذ نکرده است . اکنون کارتر اشتراف می کند که ندارد برای این مأموریت نجات از نوامبر ۱۹۷۹ آغاز شده بود .

تصمیم واشنگتن در دست زدن به قمار استفاده از نیروی نظامی ایالات متحده از موقعیت ضعیف سیاسی اش در رابطه با انقلاب ایران ناشی می شود .

زمانی که بسیج های تودمائی در اوایل ۱۹۷۹ شاه را از تخت سلطنت سرنگون کرد . امپریالیزم آمریکا یکی از وفادارترین متحدانش را در آن قسمت از دنیا از دست داد .

ایران دیگر یک منبع سرشار سود برای شرکت های آمریکایی . خصوصا انحصارات نفتی . نیست .

ایران به پگزادان منطقه خلیج فارس و یک متحد نزدیک اسرائیل صهیونیست و علیه اعراب نیست .

و سیارک این ابزار اختناق که توسط پلیس و شکنجه گران سیا تربیت شده . بسود منلاشی شده است .

از زمان سرنگونی شاه انقلاب ایران زرفای بیشتری بخود گرفته است . کارگران دهقانان و ملیت های تحت ستم بسک دست آورد های عظیمی نائل آمدند . از همان اوایل انقلاب . دولت کارتر همواره سعی بر این داشته است که انقلاب را معکوس کند . در جستجوی یک راه حل

### دایره نهمی از

که طبقات بالای اجتماع نیستند که با جلوگیری از تولید و توزیع تواریهای موسیقی از موسیقی محروم می شوند . آنها کلکسیون های وسیع موسیقی خود شان را دارند و تازگی ها هم به استعداد ام گروه های موسیقی و رقص مخصوص مشول شده اند . دستگامهای وید پسر و انواع و اقسام تواریهای فیلم دارند . پلاژها و استخرهای خصوصی دارند و تازمواحد پترانه هم هنوز در دسترستان هست . دایره نهمی از منگرات بنام "ستضعفین زحمتکشان" را از کوچکترین تفریح و تفنن محروم می کند . همه را به ستوه آورده است . وقت آن رسیده است که تودمهای مردم خواهان پایان دادن به دخالت روحانیت در زندگی خصوصی مردم و تفریحات و سرگرمی های آنان شود . بجای این دخالت های مخرب که زندگی بنقد دشوار مردم را غیر قابل تحمل تر می کند . دولت باید منابع وسیع در اختیار پرورش فرهنگ و هنری . بدون کنترل و قیموبیت روحانیت . قرار دهد . تشهیلات تفریح و گرد شروبع و رایگان ایجاد کند . حداقل یکماه مرخصی باحقوق به همه کارگران وگرمندان بدهد .

### درباره عدل

محاکمه انقلابیون عرب را ندارند . اعدام مغزوتین عوامل رژیم گذشته این توهم را در بسیاری بوجود آورده است که دادگاههای انقلاب اسلامی وانعا انقلابی عمل می کنند . اما این ذرمای از حقیقت را در بر ندارد . رژیم سابق بخاطر جنایات و وحشیگریها سرکوب ها . دزدی ها و ... کلیه اصالی که بر علیه مردم محروم و ستم پسده ایران انجام داد محکوم است و نه بخاطر جرائم موهومی نظیر "فساد در ارض" یا محاربه با خدا . دادگاههای انقلاب اسلامی با عنوان کردن این عبارات غریب در حقیقت بر این جرائم و جنایات آشکسار سرپوش گذاشته اند . دادگاههای انقلاب مغزوتین عوامل رژیم گذشته را قریانی کردند تا بتوانند خود رژیم را حفظ کنند . محاکمه انقلابی عوامل رژیم گذشته بازسازی دستگام استبداد دولتی را غیر ممکن می کرد . محاکمه سریع و مخفیانه عوامل مغزور رژیم گذشته تنها توانست سازشکاری سردمداران حکومتی . کسانی که با ژنرالهای ارتش بر سر انتقال آرام قدرت چانه می زدند . را از تودمهای

# پیتریول، یک زندانی سوسیالیست در

## اردوگاه "سوسیالیستی"



### چین

بر اساس گزارش‌های از چین به خارج رسیده است مقامات جنبش سوسیالیستی را که در سالهای ۱۹۵۰ در این کشور رایج بود دو باره بازگردانند. این سازمان ابرام بوده و سعی از محروس به اردوگاه‌های کار روستایی برای آموزش بافنی و نسبه بد است. بر اساس این گزارش‌ها از زانویه گذشته تا کنون حدود ۵۰۰۰ نفر برای آموزش اردوگاهی اعزام شده‌اند. جرم این افراد شامل ایجاد درد سرد در نواحی شهری و شلوی و نا آرامی به بهانه بیکاری است! نکته جالب این است که برای اثبات چنین حکومت‌هایی دادگاه اصولاً تشکیل نمیشود!

حد اکثر مدت کار در این اردوگاهها چهار سال است ولی بسیاری هستند که تمام عمر خود را در آنجا می‌گذرانند زیرا بسیاری آنها در هیچ نقطه دیگری در سلطنت کار نیستند. در توره که شته روزنامه خلق ارگان رسمی حزب کمونیست چین مشخصات افرادی که وارد به کار در این اردوگاهها را از قرار زیر ذکر کرد: "آنها در این آبروستی ندارند. آنها به کارهای رفاه می‌کنند. ضد انقلابیون، پارتی‌ها، که از خدمات دولتی امروغ شده‌اند. آنها هم که حاضر به کار نیستند و با عسل درد سر ایجاد می‌کنند. سیاسی‌ها، موسس را به خطر می‌اندازند و علمبرداران حاضر به تصحیح راه زندگی بودن نیستند."!!

کک به گله مبارزات ضد امپریالیستی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و بسیاری جلب همبستگی بین المللی علیه امپریالیسم باید از هر گونه کتک به مبارزات ضد امپریالیستی دریغ نکند. دولت ایران باید آمادگی خود را برای دادن هر گونه کتک مادی و معنوی و نظامی و سیاسی به گله مبارزات ضد امپریالیستی و رهایی بخش در سراسر جهان اعلام کند. باید از گله مبارزات ضد امپریالیستی مردم محروم و ششیده جهان علیه رهبری آنها حمایت کرد. سوساز زدن از کتک به مبارزات ضد امپریالیستی به بهانه "اسلامی نبودن آنها یا هر بهانه دیگری" خرابکاری جنایتکارانه‌ای است در راه مبارزات مردم ششیده جهان برای رهایی از سلطه اسارت بار امپریالیسم.

کک به جنبش‌های ارتجاعی و ضد انقلابی مانند شورش "مسلمانان افغانستان" به بهانه مبارزه با دوا بر قدرت تحسین در مبارزه ضد امپریالیستی است.

تصریح می‌کند. اقدامات رژیم استالینیست بروشنی نشان میدهد که هدف نابود ساختن جسمی و روحی این مارکسیست مبارز است. محاکمات فرمایشی و شرایط ضد زندانیان سیاسی در چکوسلواکی موجب گسترش موج وسیعی از اعتراضات جنبش سوسیالیستی در سطح بین المللی شده است. بسیاری از احزاب، حتی احزاب کمونیست طرفدار مسکو از جمله حزب کمونیست انگلستان به دستگیری این سارزین اعتراض نموده‌اند. حزب کارگران سوسیالیست ایران و پس الملل چهارم به شرایط بد زندانیان سیاسی رژیم چکوسلواکی اعتراض می‌کنند و خواهان آزادی بدون قید و شرط جنس سول و گمه اعضا گروه "سوسیالیستی" است.

تیز معلوم نیست که جنبش سده ای از زمین‌های تولید گشتان خواهد شد یا نه. روی دیگر سکه خطر رو با افزایش تهاجم امپریالیستی در منطقه آمریکای مرکزی است. امپریالیسم آمریکا به تحریکات خود بر علیه کوبا افزوده است و رژیم‌های دست نشانده السالوادور و گرانادا را تا دندان مسلح کرده است. در کواتالا ۵۰۰۰ مستشار و مزدور اهل نیکاراگوئه که عموما از گارد ملی سوموزا و ضد انقلابیون کوبایی ویتنامی تشکیل یافته‌اند، سرقت آموزش نظامی می‌بینند و با حال حملاتی نیز به داخل نیکاراگوئه انجام دادند.

در چنین شرایطی است که ساند نیست‌ها باید رها سازد و واقعی کشور و راه مقابله با خطر دخالت امپریالیستی را بیابند. در سپه و تجربیات پیش از یکسال جنبش کارگری نشان میدهد که بسیاری پیشبرد انقلاب راهی جز خلق یک کامیون از طبقه سرمایه دار و استقرار نظام اقتصادی با برنامه وجود ندارد. هنگامی که تصرف قدرت دولتی در دستور کار طبقه کارگر قرار می‌گیرد و سرمایه داران ضد امپریالیست با امپریالیسم هماهنگ میشوند. در دوره معدی در انقلاب نیکاراگوئه ما شاهد هر چه صیقل شدن مبارزه زحمتکشان با نظام سرمایه داری خواهیم بود. آینده نشان خواهد داد که رهبری ساند بنیستی در پاسخ به بیکارهای طبقه انقلاب را به چه سو خواهد راند.

انشای امپریالیسم در مراجع بین المللی سازمان ملل و سایر مراجع بین المللی مبارزات جهانی جهت پیشبرد اهداف امپریالیسم نندیل شده‌اند. امپریالیسم به تجاوزات خود علیه جنبش‌های مردم کشورهای جهان با کتک این مراجع شریعت می‌دهد. حتی کتک‌های "خبر خواهانه" این مراجع وسیله‌ای در جهت حفظ و تحکیم نظام سرمایه داری جهانی شده‌اند. با افشاگری وسیع علیه امپریالیسم در این سازمان‌ها باید از نفوذ و تاثیر این مراجع به عنوان ابزار دخالت امپریالیسم جلوگیری شود.

چکوسلواکی است. پیتریول در زندان حق نگهداری نوشتن و حتی نامه‌های خانوادگی خویش را ندارد. حتی یک نسخه از دفتر قوانین اردوگاه را نمی‌تواند داشته باشد. او حق نگهداشتن عکس‌های هنس و فرزندان را ندارد. او حق ملاقات بطور کلی ندارد. البته جز یک ساعت در هر ۸ تا ۸ ماه این ملاقات نیست. خنما باید با خوبان زندان نزدیک باشد. نامبر بر آن نظار کند و هیچ چیز جز مسائل خانوادگی نباید مورد بحث قرار گیرد. گروه "سوسیالیستی" در اردوگاهها را سار ناساند جیب کرده است. وی اکنون از برنشت بسیار شدیدی رنج می‌برد. علیرغم قانون چکوسلواکی در مورد زندانیان که "انسانی بودن شرایط زندانیان را

پس از سرنگونی حکومت سوموزا دولتی استلاهی یا جیبه ملی آزاد بخش ساند بنیست که رهبری جنبش بوده ای را در دست داشت. تشکیل داد. کتر از یکسال پس از سرنگونی سوموزا توهم بخش عظیمی از زحمتکشان نیکاراگوئه از سرمایه داران "ترقی" ریخته است. از ۶۶۲ واحد تولیدی در سال گذشته فقط ۲۱۶ واحد به کار افتاده است. کارخانجاتی که کار می‌کنند بطور متوسط ۵۰ درصد تولید واقعی خود را انجام می‌دهند. سرمایه داران نیکاراگوئه در تولید خرابکاری می‌کنند تا بتوانند به نارضایتی محوس بر علیه ساند بنیستها بیافزایند و از این طریق حاکمیت خود را اصال کنند. ولی نتیجه این خرابکاری معکوس بوده است. در بسیاری از موارد کارگران کارخانجات را اشغال نمودند و خواستار ملی شدن آنها شده‌اند. ساند بنیستها از جنبش حرکت‌های پیشیانی کرده‌اند. در بخش کشاورزی نیز وضع بهمین منوال بوده است. بسیاری از اراضی بزرگ توسط دهقانان تصرف و تقسیم شده است. وزارت اصلاحات ارضی عموما از تصرف و تقسیم زمین تحت فشار جنبش دهقانی پیشیانی کرده است و این باعث شده است که زمینداران بزرگ از کشت و زرع در زمین‌های بزرگ خود خود داری کنند. بعنوان مثال

برای مخفی کردن ندارد. نشان خواهند داد که بر سر منافع انقلاب ایران یا دیگر مبارزات رهایی بخش حاضر به معامله و جانفروزی با امپریالیسم نیست. یا اعلام لغو دیپلماسی مخفی می‌تواند از مردم جهان خواست که دولت‌های خود را تحت فشار بگذارند و از آنها پایان دادن به دیپلماسی مخفی را بخواهند. سردم ستم‌ده جهان با کتک به نمونه ایران قادر خواهند بود بر علیه دولت‌هایی که در پشت سر آنها و بر علیه آنها با امپریالیسم مذاکره می‌کنند مبارزه خود را به پیش برند.

پیتریول معروفترین زندانی سیاسی چکوسلواکی است. وی از بنیانگذاران گروه "سوسیالیستی" در این کشور بود. او یک نوکسیست است. گروه "سوسیالیستی" برای آزاد بهایی دموکراتیک و حقوق مدنی در چکوسلواکی بطور علنی فعالیت میکرد و در مورد نقض حقوق دموکراتیک در کشور اعتراض می‌نمود. پیش از این در شماره‌های سیش چه می‌نویسد. گروه "سوسیالیستی" به تفصیل نوشته است. اکنون بر اساس گزارش نگاه خبرگزاری پیتریول در اردوگاه فرمایشی رژیم استالینیستی چکوسلواکی به پنج سال کار در اردوگاه کار اجباری میروغ واقع در ناحیه بوهم شمالی محکوم شده است. اردوگاه میروغ مخوفترین اردوگاه کار اجباری در

### نیکاراگوئه: انقلاب به پیش می‌تازد

مرحله ای نوین از انقلاب نیکاراگوئه آغاز شده است. این مرحله بدنهال استعفاي دولت سومزایه دار در دولت باز سازی ملی نیکاراگوئه شروع شده است. استعفاي این دولت وزیر به این خاطر بود که جیبه آزاد بخش ملی ساند بنیست تصمیم گرفت که اکثر کرسی‌های مجلس ملی این کشور را در اختیار نمایندگان شوراهای کارگری و دهقانی قرار دهد. ۹ ماه پس از سرنگونی سوموزا مبارزه طبقه‌ای در این کشور آمریکای لاتین نشان داد است که بهیروزی انقلاب از طریق "انقلاب زحمتکشان یا بورژوازی ترقی" حاصل نمی‌آید.

### بازسازی کشور

تابستان گذشته رژیم دست نشانده سوموزا تحت ضربات جنبش توده ای سرنگون شد. در جریان جنبش ضد سوموزانیستی زحمتکشان شهر پرده دست به تشکیل اتحادیه‌های کارگری و دهقانی خود زدند. رهبری این اتحادیه‌ها عموما در دست جیبه ساند بنیستی بود. درست در جریان رشد و گسترش جنبش بود که بخش از بورژوازی لیبرال و ضد امپریالیست به مخالفت با سوموزا برخاست و این جناح از سرمایه داری

### درباره مبارزه با...

لغو دیپلماسی سری. مذاکرات پشت پرده و مراد اد‌های مخفیانه دیپلماسی سری و مذاکرات پشت پرده برای دولت‌هایی که در عمل مدافع منافع کارگران و زحمتکشان هستند ضرورت ندارد. دیپلماسی مخفی برای دولت‌هایی که در پشت سر توده‌ها با امپریالیسم زد و بند نمی‌کنند ضرورت ندارد. دولت ایران با اعلام لغو دیپلماسی سری اعتماد توده‌های مردم جهان را نسبت به انقلاب ایران جلب خواهد کرد. به مردم ایران و جهان نشان خواهد داد که چیزی



۳- درباره مبارزه با امپریالیزم

جلب همبستگی بین المللی

محاصره اقتصادی ایران توسط دولت های امپریالیستی بیشتر از گذشته ضرورت جلب همبستگی بین المللی نسبت به مبارزات ضد امپریالیستی توده های زحمتکش و محروم ایران را نشان داد. تهاجم نظامی امپریالیزم آمریکا به ایران، تحت پوشش تلاش برای آزادی گروگان ها، واقعیت انزوای انقلاب ایران در سطح جهانی را به نمایش گذاشت. تهاجم نظامی آمریکا عداوتی را پدید آورد که در حالیکه ماجرایی های نظامی مشترک دولت های فرانسه، انگلیس و اسرائیل بر علیه ملی کردن کانال سوئز در زمان ناصر با اعتراض گسترده همراه بود. اعتراضی که تهاجم نظامی امپریالیزم و دولت دست نشانده اش اسرائیل را به عقب راند.

دوران امپریالیزم، دوران سلطه سرمایه، انحصاری دوران مبارزات رهایی بخش ملت های تحت سلطه است. دوران امپریالیزم دوران مبارزه برای رهایی از سوغ اسارت امپریالیزم و عقب افتادگی، فقر و محرومیت ناشی از آن است. مبارزه بسطی رهایی از سلطه امپریالیزم در گوشه و کنار جهان در سطوح مختلف جریان دارد. این مبارزات نباید و نمی توانند جدا از یکدیگر به پیش روند. در غیر این صورت امپریالیزم جهانی و رهبری سیاسی - نظامی آن آمریکا به تدریج آنها که جدا و منزوی از یکدیگر قرار دارند حمله خواهد کرد.

پک دو، سوتنام سازید! زمانیکه رهبری انقلاب کوبا به دنبال آن بین الملل چهارم (بین الملل سوسیالیستی انقلابی) این شعار را مطرح کردند. بر این امر تاکید داشتند که انقلاب ویتنام نباید تنها بماند. تجربه انقلاب ویتنام که بزرگترین قدرت نظامی جهان را به زانو در آورد و شکست فاطحانه بر امپریالیزم وارد کرد. پیشین نمایش همبستگی جهانی با مبارزات ضد امپریالیستی نیز بود. تظاهرات نظمی علیه جنگ ویتنام در آمریکا صورت گرفت و تظاهرات همبستگی با انقلاب ویتنام در سراسر جهان بخصوص در قلب کشورهای امپریالیستی اروپا، همگی نقش اساسی در شکست امپریالیزم آمریکا در ویتنام داشتند.

تعمین سرنوشت مردم افغانستان تبلیغ شده است در مورد حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین گفته نشده است. سردمداران حکومتی با تمام ادعاهای ضد امپریالیستی خود حتی از یک جنبش واقعی ضد امپریالیستی قاطعانه حمایت نکردند. سیاست های نمایندگان دولت جمهوری اسلامی در کفرانس های بین المللی به مانع در برابر ایجاد همبستگی بین المللی علیه امپریالیزم تبدیل شده است. آنها در مورد تجارتهای امپریالیزم علیه مردم کشورهای تحت سلطه کمترین سخنی بهمان نمی آورند. آنها حتی از افشای جنایاتی که رژیم دست نشانده امپریالیزم بر مردم سندید، ایران روا داشته است نیز خود داری می کنند. شرکت نمایندگان دولت جمهوری اسلامی در کفرانس های بین المللی تنها در خدمت تخریب همبستگی میان مبارزات ضد امپریالیستی به بهانه "اسلامی بودن انقلاب ایران است" مسئله بر خلاف آنچه که ادعا می شود بر خورده می گشت. نیست بلکه سراز زدن از اجزای تعهدات ضد امپریالیستی است. سراز زدن از حمایت انقلاب نیگاراگوئه است.

کفرانس تهران که سردمداران حکومت جمهوری اسلامی برگزار کنند، آن بودند بهترین نمونه سیاست های ضد امپریالیستی هیئت حاکم سرمایه دار بود. کفرانس تهران کفرانس افشای آمریکا نبود. در ایمن کفرانس کوچکترین قدمی جهت مقابله با محاصره اقتصادی ایران یا خطر تهاجم نظامی امپریالیزم برداشته نشد. در ایمن کفرانس کمترین کوششی جهت جلب همبستگی بین المللی علیه امپریالیزم نشد.

ترکیب شرکت کنندگان در کفرانس تهران ماهیت واقعی این کفرانس را نشان می داد. تنها گرایش های مدافع سرمایه داری یا طرفداران سازش طبقاتی به این کفرانس راه داشتند. تنها کسانی در چارچوبی از سردمداران حکومتی بودند. در حالی که از رمزی کلارک دادستان سابق دادگستری آمریکا در زمان جنگ ویتنام دعوت شده بود. در حالی که از رهبران احزاب سوسیالیست بین الملل دوم که بارها به سوسیالیزم و جنبش کارگری خیانت کرده اند دعوت شده بود. از ساندنیشها که انقلاب مردم نیگاراگوئه را رهبری کرده بودند دعوت نشده بود. از رهبران انقلابی که علیه استبداد و امپریالیزم صورت گرفته بود دعوت نشد. از احزاب بین الملل چهارم نیرویی که در مبارزه ضد امپریالیستی در سطح جهانی پیگیرانه شرکت داشته است. بهترین نیروی بسیج کننده تظاهرات همبستگی با انقلاب ویتنام و مبارزات ضد جنگ بوده است دعوت نشده بود.

سیاست های سرکوب گرانه هیئت حاکم مانعی جدی در راه جلب همبستگی بین المللی نسبت به انقلاب ایران بوجود آورده است. قبول حق تعیین سرنوشت برای ملت سندید، کرد، بیشترین تاثیر را بر رویکرد های عراقی می گذارد. کرد های عراق که خود سابقه مبارزه بر علیه بعث عراق را دارند نسبت به انقلابی که حق تعیین سرنوشت برادران و خواهران آنها را بر عهده می شناسد احساس همبستگی خواهند کرد. کلیه عملگردهای ارتجاعی و سرکوب گرانه حکومت جمهوری اسلامی از تجاوز به حقوق زنان، حمله به شوراهای کارگری، اجزای مجازات های وحشیانه همه به جلب همبستگی

بین المللی و در نتیجه به مبارزات ضد امپریالیستی توده های مردم زحمتکش و سندید، ایران ضربه می زند. جلب همبستگی بین المللی علیه امپریالیزم زمانی که اقدامات مشخص و واقعی ضد امپریالیستی صورت بگیرد ممکن است. در صورتی که اقدامات واقعاً ضد امپریالیستی انجام شود برای امپریالیزم دیگر ممکن نیست که تهاجم خود را علیه انقلاب ایران در پوششهای عوامفریبانه به پیش برد. این مسئله برای مردم جهان بوضوح روشن خواهد شد که دولت های امپریالیستی جهت منافع که بر اثر انقلاب ایران از دست داده اند به انقلاب ایران حمله می کنند. مصادره سرمایه های امپریالیستی، استقرار کنترل کارگری بر تولید و توزیع، انحصار تجارت خارجی اقدامات مشخص ضد امپریالیستی هستند که در بخش های قبلی برنامه عمل زحمتگشان در مورد آنها بحث شده است. اقدامات مشخص دیگری نیز هستند که در جلب همبستگی بین المللی علیه امپریالیزم تأثیر قاطعی دارند.

لغو کلیه قرارداد های نظامی، سیاسی و اقتصادی با قدرت های امپریالیستی و افشای محتوی اسارت بار این قراردادها، کلیه قرارداد های که توسط رژیم دست بردار شده است، شاه با امپریالیزم بسته شده است. بر توده های محروم و سندید، ایران تحصیل شده اند. قرارداد های تحمیلی به نفع مردم ایران نیستند و باید لغو شوند.

افشای ماهیت اسارت بار این قراردادها به مردم جهان بخصوص مردم کشورهای تحت سلطه نشان خواهد داد که چگونه امپریالیزم خود را بر مردم کشورهای تحت سلطه تحمیل می کند. افشای قرارداد های که امپریالیزم بر ایران تحمیل کرده است به زحمتگشان سراسر جهان نشان خواهد داد که چرا امپریالیزم از رژیم های فاسد و دست نشانده ایمن و دیگر حکومتها جداست.



# صدای حزب کارگران سوسیالیست

## به دفاع از مجاهدین خلق برخیزیم!

هدف هیات حاکم در واقع سرکوب خود خلق است. دیگر نمی‌توان مردم مبارز ایران را با مخفی شدن در پشت عمارت و عمامه و تسبیح فریب داد. همه فهمیدند که سالک انقلاب ایران ساله اسلام و غیر اسلام نیست. مردم متحد شده ایران تفاوت بین اسلام آقای بهشتی و اسلام مجاهدین خلق را درک کردند. مردم ما اسلام ضیاء الحق و اسلام شیخ تبرستان سعودی را از نزد یک دیدند. این مردم را نمی‌توان با اسلام به دام ضد انقلاب کشید.

هیات حاکم سرمایه‌داری نیز می‌داند که مردم مابیت اسلام حضرات را درک کرده‌اند. سردمداران رژیم فهمیدند که دیگر حناپشان رنگ ندارد. مردم عا و عاصه و هاله تقدیس آقای بهشتی را باور کنند یا حقوق ۲۵ هزار تومانی ایشان را؟ مردم اسلام بازی آقایان را باور کنند یا هر چه بیشتر توبه شدن مفتخوران و انگلکان را؟ مردم عده‌های توخالی این حامیان مستضعفین را باور کنند یا زندگی فقر زده و فلاکت بار خود را؟ هیات حاکم همانند تمام رژیم‌های طبقاتی مفتخور همانند رژیم آریامپری بهشتی تصور می‌کند که با سرکوب اعتراضات سرودم و قلع و قمع نمایندگان سیاسی آنان می‌تواند بحراس را که ناشی از وجود اوست بر طسرف سازد. این خصلت ارتجاع است. ارتجاع همواره تصور می‌کند که با سرکوب می‌تواند موقعیت خود را تثبیت سازد. اما وجودش باعث انقلاب است و هر چه بیشتر سعی در تثبیت خود کند به مرگ خود نزدیکتر می‌گردد.

توانک ارتجاع در بیکر حزب جمهوری اسلامی بهشتی‌ها رفتنجان‌ها و آهت‌ها خود را تا تخمیر کامل قدرت بسیار نزدیک می‌بینند. در این آخرین قدم‌ها شتابزد و وحشتزده شده است و می‌خواهد از روی تاج موجود یعنی مردم متحد شده و زحمتکش ایران که برجم انقلاب را برافراشته‌اند نگاهداشتند. با وحشگری هر چه نامشروع کرد اما جنازه‌ها را اسکلت‌هاست که در اثر حرکت این نامتجان‌ها می‌ماند عاقبت حرکتش را سوزاند خواهد کرد.

همه با هم تله حزب جمهوری اسلامی!

همه با هم در دفاع از مجاهدین!

مجاهدین خلق نقش عمده‌ای در انشای کسری حزب جمهوری اسلامی. این کانون تجمع نیروهای ضد انقلابی. ایضا کرده است. اینک رهبران رژیم این سازمان را بدست از کفار می‌نامند. انشای کسری از او باس سزوری که به جلسات و تظاهرات انقلابی حمله ور می‌زدند ضد مردم نامیده می‌شوند و لسی رهبر جفاقداران ریش‌دپرو عالی کشور می‌گردد. هیات حاکم که می‌بازین انقلابی ضد امپریالیست را به زندان می‌اندازد. نریسمها را بدون محاکمه اعدام می‌کند. کربس حماری‌ها را به بند می‌کشد. غلبه کارگران و دهقانان قداره می‌کشد. دستهای جفاقدار و جانیوکش اجبر می‌کند خلق‌های متحد شده را بیچاران می‌کند. به شوراها و زحمتکشان حمله ور می‌شود. آزادی بیان و اندیشه را باطل می‌کند. احزاب مترقی را غیر قانونی می‌کند. کارگران را به گلوله می‌زند. جنس‌های حاکم‌البنه که نمی‌تواند سازمان مجاهدین خلق را بحمل کند.

در جمهوری اسلامی حضرات حاکم که ساواکی‌های سابق مسلمان نام می‌رشدند، البته سازمان مجاهدین خلق بدتر از کفار است. در انقلاب اسلامی این سرمایه‌داران نوحاسته که نسیار فلاحی جلال فرمانده ارتش اسلام می‌گردد. البته مجاهدین خلق ضد انقلاب هستند در رژیم که جفاقداران و فقه‌گشا سرمد مسلمان به حساب می‌آیند. البته مجاهدین خلق کمد مردمی نامیده می‌شوند. در رژیم که بنیاد مستضعفین آن میلیون‌ها توسمان رشوه داده و گرفته است. البته مجاهدین خلق در دست لقم می‌گیرند.

مردم مبارز ایران به خوس درک کرده‌اند که چه کس در ایران انقلابی است و چه کس ضد انقلابی است. یک سال و نیم کارنامه ساء و نکس رژیم جدید ظلم و استبداد به وضوح نشان داده است که چه نیرویی در جهت اصلاح کام برسد و چه سروس خواهان و جند و نه نقد را بداند انقلاب است. سمدندگان و زحمتکشان ایران با کورسند و چون خود حربه کرده‌اند که ماهد است. حکوم جدید چیست و می‌داند که هنگامیکه به سازمان‌های مترقی خلق حمله می‌شود.

قیام مردم متحد شده و زحمتکش ایران. نیروهای مبارز در راه پیشبرد انقلاب ایران. سازمان یافته است. ارتجاع تصور می‌کند که با تشدید این حملات حساب خود را با نیروهای انقلاب تسویه کرده است. اما از نظر مردم مبارز ایران. بیوسن آشکار رهبران و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به این حملات ارتجاعی. صرفاً عسق و گستردگی ارتجاع و خطرات عظمی که نتیجه انقلاب است را نمایان می‌سازد.

جالب توجه اینست که این حملات اخیر پس از انشای توارهای آیت و افتشای نوظنه‌های حزب جمهوری اسلامی و بر مسلا گشتن نقش این حزب در سازماندهی جفاقداران مزدور حزب الله انجام گرفته است. برده بوش این افتضاح بزرگ دیگر میسر نبود. بنا بر این تنها راه ارتجاع اجرای طرح نوظنه بطور علنی و آشکار و با مشارکت نام زرادخانه دستگاه حاکم بود. مکتوب و حتی همراهم بنی‌صدر در این بورش ارتجاع که در توار آیت پیش بینی شده بود. ماهیت آزادی نشی این حضرت مدافع بحث آزاد را نیز نشان داده است. اینک روشن شده است که چه کس قدرت را در دست دارد و چگونه از این قدرت برای سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی زحمتکشان و سمدندگان ایران استفاده می‌کند. اینک روشن شده است که چگونه حزب جمهوری اسلامی سر نوح نام نیروهای ارتجاعی جامعه را در دست دارد و چگونه با استفاده از امکانات کسه قیام مردم مجرم جامعه در اختیار آن قرار داده است. قیام کنندگان را سرکوب می‌کند. اکنون روشن شده که با یکاه اصلی روحانوسون حاکم را چه گسائی تشکیل می‌دهند و حاکم روحانوسون به چه معنی است. ماهیبات کسه همه صحبت از جفاقداری می‌کنند و در سسی رشعهای آند. اکنون روشن شده است که نشا جفاقداری در کجاست.

سازمان‌های انقلابی کارگری و سارمان‌های سرفی و ضد امپریالیست اس حفاقی را مارگو کرده‌اند. اعمال ضد انقلابی در دست حاکم را در برابر نام سمدندگان زحمتکشان ایران انشای کرده‌اند. ایضا هیات حاکم همه این سازمان‌ها را "جبهه امریکایی" منافق و کافر خطاب می‌کند. سازمان

طی چند هفته اخیر حملات گسترده و همه جانبه‌ای علیه سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز شده است. رهبران مذهبی حزب جمهوری اسلامی. رادیو و تلویزیون مطبوعات. نمایندگان مجلس. دانشجویان بیوز خط امام. و خلاصه تمام بیسج و سپرهای گوناگون رژیم جمهوری اسلامی در تهمت و افترا زدن به مجاهدین خلق با رقابت با یکدیگر برداخته‌اند. فتواها صادر شده است و فقهای عالقدر مردم فریب‌های آتشین کرده‌اند. گفته‌اند مجاهدین منافقند. منافقین بدتر از کفارند. مجاهدین ضد مردمند. اینها جاسوسان شرق و غرب‌اند. مجاهدین را دزد و وابسته به رژیم شاهنشاهی قلمداد کرده‌اند. تمام خرابی‌ها را به کسورن مجاهدین انداخته‌اند. جفاقداران مزدور را از عوامل خود مجاهدین وانمود ساخته‌اند و خلاصه هرگونه تهمت ناروا دروغ سحرمانهای که نتوانستند علیه سازمان مجاهدین خلق بکار گرفته‌اند.

مفتخران حتی از مرحوم آیت الله خالغانی نیز گذشت نگرداند. به جرم اینکه او در زمان حیات خود از مجاهدین خلق در برابر این افتراها و حملات چکشی می‌گسرد. بطور آشکار ناسزا می‌گویند. امام است که به او ایو در زمان لقب داده بود. اینک او را فریب خورده می‌نامند. مجاهدینشوه اینک فریب خورده منافقین بدتر از کفار شده است!

این حملات به سازمان مجاهدین خلق از مدت‌ها قبل به اشکال مختلف آغاز شده بود. حمله‌های آریاس جفاقدار به جلسات و مراکز مجاهدین. دروغ برآکسی و تهمت‌های سحرمانه. حزب جمهوری اسلامی و روزی نامه منافق دستگیری و ضرب و شتم و حتی کشتار مجاهدین مدتهاست که صورت گرفته است. با بیوسن غلبه رهبران مذهبی و سردمداران رژیم به اسس کسرت ارتجاع در چند هفته اخیر اسس حلا صرفاً تشدید یافته‌اند. این حلا ادا مانه منطقی و قابل سس سباحت است. کسردمای است که در طی یک سال و نسیم گذشته علیه کسه نیروهای مترقی و انقلابی نیروهای خواهان حفظ و استحکام سآورد و



### برای آزادی مطبوعات مبارزه کنیم!

از انتشار نشریات مترقی و انقلابی و ضرب و شتم و دستگیری طرفداران آزادی مطبوعات از منافع سرمایه‌داران و زمینداران دفاع می‌کند و به حملات ارتجاعی بر دستاوردهای قیام بهمن ماه باری می‌رساند.

در برابر حملات هیات حاکم به آزادی مطبوعات مقاومت کنیم و به توفیق نشریات مترقی و انقلابی اعتراض کنیم. باید جبهه متحدی از کله نیروها و سازمانهای مترقی و انقلابی برای اعتراض به این حمله رژیم جمهوری اسلامی یا جلوگیری

آزادی بیان و اندیشه. بیوسره آزادی مطبوعات. یکی از اساسی ترین دست‌آورد های قیام مردم متحد شده و زحمتکش ایران علیه ارتجاع و استبداد است. بدون مطبوعات آزاد دفاع از منافع و خواست های زحمتکشان. بخش حفاقی مبارزات آنان و سازماندهی مبارزه در راه پیشبرد انقلاب ایران غیر ممکن است.

رژیم جمهوری اسلامی یا جلوگیری

از انجمن تشکیل گردد و مبارزهای گسترده برای آزادی مطبوعات سازمان باید. در انقلاب مردم متحد شده و زحمتکش ما فقط نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی از آزادی مطبوعات هراس دارند!

در برابر مبارزات بر حق سمدندگان و زحمتکشان ایران فقط مدافعین سرمایه‌داران مفتخور و زمینداران انگل خواهان جلوگیری از آزادی مطبوعات هستند!

\*\*\*